



سیمای سوره‌ی حج

این سوره هفتاد و هشت آیه دارد و در مدینه نازل شده است. کلمه‌ی «حج» در لغت به معنای قصد و آهنگ انجام کاری است، ولی در شریعت اسلامی به مراسم خاصی که هر ساله در مکه برگزار می‌گردد گفته می‌شود. از آنجا که حدود سیزده آیه از این سوره (از آیه ۲۵ تا ۳۷) درباره‌ی کعبه و تاریخ آن و آثار سیاسی و اجتماعی حج سخن می‌گوید، این سوره، «حج» نامیده شده است.

البته در این سوره دعوت پیامبران الهی نسبت به اقوام بسیاری مطرح گردیده و سرنوشت آنها نیز بیان شده است. طبق روایات، پیامبر گرامی اسلام فرمودند: هرکس سوره حج را بخواند، خداوند به تعداد کسانی که در گذشته و آینده حج و عمره به جا آوردند، به او پاداش حج و عمره می‌دهد.^(۱)

۱. تفسیر مجمع‌البیان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

﴿ ۱ ﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

ای مردم! از پروردگارتان پروا کنید، که همانا زلزله‌ی قیامت، حادثه‌ای بزرگ و هولناک است.

نکته‌ها:

□ در روایات می‌خوانیم: در ماه شعبان سال ششم هجری، هنگامی که مسلمانان به سوی جنگ «بنی المصطلق» در حرکت بودند، آیه‌ی اوّل و دوم سوره حج نازل شد. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دستور توقف داد، مسلمانان ایستادند، حضرت این دو آیه را تلاوت فرمودند، برخی از یاران پیامبر آن شب را به گریه مشغول شدند و از دنیا بی‌زاری جستند، ولی رسول خدا با بشارت‌هایی آنان را آرام کردند.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- مخاطبان قرآن، همه‌ی مردمند. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾
- ۲- با غافلان باید صریح سخن گفت و به آنان هشدار داد. ﴿اتَّقُوا... انْ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ﴾
- ۳- راه نجات از خطرهای قیامت، تقواست. ﴿اتَّقُوا... زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ﴾
- ۴- یاد قیامت، عامل ایجاد تقواست. ﴿اتَّقُوا... زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ﴾
- ۵- تمام هستی متاع قلیل است، ولی زلزله‌ی قیامت بزرگ است. ﴿زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ﴾

شئ عظیم ﴿

۱. تفسیر نمونه.

- ۶- از خدایی که پروردگار و صاحب عالم است، پروا کنیم. «اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةً...»
 ۷- نظام موجود هستی، با زلزله‌ای از هم فرومی‌پاشد. «إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ»

﴿ ۲ ﴾ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ

روزی که آن (زلزله‌ی بزرگ) را مشاهده کنید (چنان ترس و وحشت و جودتان را فرا خواهد گرفت که) هر شیر دهنده‌ای، آن را که شیر می‌دهد فراموش کند و هر بارداری جنین خود را سقط کند، و مردم را مست می‌بینی، ولی مست نیستند، بلکه عذاب خداوند شدید است.

نکته‌ها:

- قرآن در معرفی سیمای قیامت، تعبیرات تکان دهنده‌ای دارد، از جمله:
 - * «يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا»^(۱) روزی که کودکان را پیر می‌کند.
 - * «يَوْمًا عَبَّوَسًا فَطِيرًا»^(۲) روزی که عبوس و سخت است.
 - * «يَوْمًا كَانَ سُرَّةً مُّسْتَطِيرًا»^(۳) روزی که عذابش گسترده است.
- علاقه‌ی مادر به فرزند، قوی‌ترین علاقه‌هاست. لذا خداوند در بیان سختی قیامت، به قطع رابطه‌ی مادر شیرده و مادر باردار با فرزندش مثال زده است. و گرنه در قیامت، هیچ مادر باردار یا شیرده‌ی وجود ندارد.

پیام‌ها:

- ۱- حوادث سخت قیامت، هم عاطفه را می‌گیرد، «تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ» هم عقل را. «تَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ»
- ۲- در بیان مسائل تربیتی، از مثال‌های محسوس و عاطفی استفاده کنیم. «مُرْضِعَةٌ...»

۳. انسان، ۷.

۲. انسان، ۱۰.

۱. مزمل، ۱۷.

ذات حمل ﴿

- ۳- تمثیل، لازم نیست با واقعیت همراه باشد. ﴿كَلِّذَاتٍ حَمَلٍ... تَرَى النَّاسَ سُكَارَى﴾
 ۴- تمثیلات قرآن، با گذشت زمان کهنه نمی شود. ﴿كَلِّذَاتٍ حَمَلٍ...﴾
 ۵- عامل مستی، تنها شراب نیست. (گاهی، غرور، غفلت، ثروت و مقام نیز وسیله‌ی
 از دست دادن اعتدال می شوند) ﴿تَرَى النَّاسَ سُكَارَى... عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٍ﴾
 ۶- پیامبر اکرم ﷺ از خطرهای قیامت بیمه و مصون است. ﴿تَرَى النَّاسَ سُكَارَى﴾

﴿ ۳ ﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ

و بعضی از مردم، ناآگاهانه درباره‌ی خداوند به جدال می‌پردازند و از هر
 شیطان سرکشی پیروی می‌کنند.

نکته‌ها:

- «مرید» به معنای بی‌خیر است، به بیابان بی‌گیاه مرید می‌گویند و به نوجوان که صورت او
 بی‌مو است «آمرد» گفته می‌شود.
 □ آنچه که این آیه از آن نهی می‌کند، بحث و جدال بدون داشتن آگاهی‌های لازم است،
 وگرنه جدال با مخالفان اگر با منطق صحیح و یا منطق خودشان باشد، بسیار هم بجاست.
 چنانکه در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿جادلهم بالّٰتی هیّ احسن﴾^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- عذاب قیامت، کسانی را هدف می‌گیرد که با ایجاد شبهه و تردید، به عقاید
 دینی مردم ضربه می‌زنند. ﴿عذاب الله شدید - و من الناس من یجادل﴾
 ۲- گفتگوها باید براساس منطق و علم باشد، نه جدال و تعصب. ﴿یجادل... بغیر علم﴾
 ۳- بحث و جدال بدون علم، پیروی از شیطان است. ﴿یجادل... یتبع﴾
 ۴- جهل و تعصب، مانع پذیرفتن حق است. ﴿بغیر علم﴾

۵- کسی که از خدا و راه او جدا شود، هر لحظه در دام شیطانی اسیر است. ﴿يَتَّبِع

كُلَّ شَيْطَانٍ﴾

۶- شیطان‌ها بسیارند و هر یک به نحوی وسیله‌ی انحراف مردمند. ﴿كُلَّ شَيْطَانٍ﴾

۷- در پیروی از شیطان خیری نیست. ﴿مَرِيدٍ﴾

﴿ ۴ ﴾ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ

بر او (شیطان) نوشته (و مقرر) شد که هر کس ولایت او را بپذیرد، قطعاً او

را گمراه می‌کند و به آتش سوزانش می‌کشاند.

نکته‌ها:

□ در معنای «كُتِبَ»، جبری علیه شیطان وجود ندارد، زیرا در آیات دیگر می‌خوانیم: شیطان با اراده‌ی خود و لجاجت با حق، سجده نکرد و به کار خداوند اعتراض نمود و سوگند یاد کرد که مردم را گمراه کند.^(۱) بنابراین، «كُتِبَ علیه» یعنی براساس اراده و تصمیمی که شیطان گرفت، گمراه کردن پیروانش برای او حتمی شده است.

پیام‌ها:

۱- انتخاب راه شیطان و پیروی از او جز عذاب قطعی الهی، هیچ نتیجه‌ای ندارد. ﴿كُتِبَ علیه﴾ (اراده‌ی حتمی خداوند مبنی بر مجازات گناهکاران، بعد از ارتکاب جرم به وسیله‌ی آنهاست).

۲- پیروی از شیطان، پذیرفتن ولایت اوست. ﴿و يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ... مَنْ تَوَلَّاهُ﴾

۳- شیطان تنها کسانی را گمراه می‌کند که از او پیروی کنند، نه هر که را بخواهد.

﴿مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ﴾

۴- تمام شیطان‌ها، انسان را به راه آتش سوزان می‌برند. ﴿يَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ... و يَهْدِيهِ

إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ﴾

﴿ ۵ ﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُم مِّن
 تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ
 مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ
 نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِنَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنكُم مَّن
 يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْنًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ
 هَامِدَةً فَاذًا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ

زَوْجٍ بَهِيحٍ

ای مردم! اگر درباره‌ی قیامت شک دارید (با دقت در وجود خود، شگ خود را برطرف کنید)، ما شما را از خاک آفریدیم (مواد غذایی خاک از طریق غذا به صورت نطفه در آمد) سپس از نطفه، سپس (به صورت) خون بسته شده، سپس (به صورت چیزی مانند) گوشت جویده شده که بعضی خلقت کامل یافته (و به دنیا آید) و بعضی خلقت کامل نیافته (و سقط شود)، تا برای شما روشن سازیم (که بر هرچیز قادریم) و آنچه (از جنین‌ها) را که خواهیم تا سرآمدی معین در رحم مادران قرار دهیم، سپس شما را به صورت طفل بیرون می‌آوریم، تا به حدّ رشد و بلوغ برسید و (در این میان) بعضی از شما می‌میرید و بعضی به پست‌ترین مرحله‌ی زندگی (و پیری) می‌رسید تا جایی که دانسته‌های خود را از دست دهند. (همچنین) زمین را (در زمستان) خشک و مرده می‌بینی اما هنگامی که باران بر آن فرو می‌باریم، به حرکت درآید و رشد کند و انواع گیاهان زیبا می‌رویانند.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «يُتَوَفَّى» که از ریشه‌ی «وفاة» است، به معنای گرفتن کامل روح از وجود انسان و بیانگر بقای روح بشر پس از مرگ است.

□ کلمه‌ی «بهبیح» از ریشه‌ی «بهجة» به معنای شادابی و خرمی است. چنانکه نگاه به سبزه و گیاه مایه‌ی ابتهاج و شادابی انسان می‌شود.

□ گرچه در این آیه، دوران پیری و کهنسالی، پست‌ترین دوران عمر انسان شمرده شده، اما علتی که برای آن بیان گردیده، اختصاص به پیران ندارد، بلکه هر زمان که قوای عقلانی انسان ضعیف و ناتوان گردد، دوران پستی است، گرچه در جوانی باشد. «أرذل العُمُر... لا یعلم من بعد علم شیئاً»

پیام‌ها:

- ۱- سرچشمه‌ی شک غفلت از قدرت خداوند است. «ان کنتم فی ریب... فاتا خلقناکم»
- ۲- با کفار، مستدل، منطقی و قابل فهم سخن بگوییم. «ان کنتم فی ریب... فاتا خلقناکم»
- ۳- از راه محسوسات، می‌توان با معقولات آشنا شد. «ان کنتم فی ریب... فاتا خلقناکم»
- ۴- معاد، هم جسمانی است و هم روحانی. «ان کنتم فی ریب من البعث فاتا خلقناکم»
- ۵- منشأ انسان و ماده‌ی اولیه‌ی او از خاک است. «خلقناکم من تراب»
- ۶- انسان، پیش از مرگ، هفت مرحله را طی می‌کند. (تراب، نطفه، علقه، مضغه، طفولیت، بلوغ، پیری) «خلقناکم من تراب ثم من نطفة...»
- ۷- دوران مضغه (که انسان در رحم مادر به شکل لخته گوشتی است) دوران شکل‌گیری انسان است. «مضغة مخلقة»
- ۸- کسی که در دنیا از خاک بی‌جان انسان آفرید، پس در قیامت هم می‌تواند. «لتبین لکم»
- ۹- زندگی دارای دو منحنی صعود و نزول است. صعود از خاک تا رسیدن به مرحله «اشدکم» و منحنی نزول رسیدن به مرحله «أرذل العُمُر»
- ۱۰- تمام مراحل خلقت، از استقرار نطفه تا تولد طفل، به دست خداست. «خلقنا - نُقرّ فی الارحام - نُخرجکم طفلاً»
- ۱۱- تحولات طبیعی، نیاز به زمان دارد. (در آیه چندبار کلمه «ثم» که برای فاصله زمانی است، تکرار شده است)

۱۲- استقرار نطفه و یا سقط و بی اثری آن با خواست خداوند است. ﴿تُقَرَّرُ فِي

الارحام ما نشاء﴾

۱۳- مدت حمل، از جانب خدا زمان بندی شده است. ﴿إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾

۱۴- تولد انسان، به اراده‌ی خداوند است. ﴿مُخْرَجِكُمْ﴾

۱۵- مرگ، مخصوص پیران نیست. ﴿وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى﴾

۱۶- انسان با مرگ محو نمی‌شود. ﴿يُتَوَفَّى﴾

۱۷- ارزش انسان و زندگی او در پرتو علم و آگاهی و عقل اوست. (قرآن دلیل

پست‌ترین مرحله عمر را فراموش کردن دانسته‌ها و اندوخته‌های علمی

می‌داند). ﴿أَرِذَلُ الْعُمْرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا﴾

۱۸- زوجیت و نر و ماده بودن، در گیاهان نیز مطرح است. ﴿مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ﴾

﴿۶﴾ ذَلِكُ بَيِّنَةٌ لِّأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنََّّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنََّّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

این (مراحل مختلف خلقت انسان و گیاه) به خاطر آن است که خداوند حق

است و اوست که مردگان را زنده می‌کند و بر هر چیزی تواناست.

﴿۷﴾ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

و(آفرینش انسان از خاک و رویش گیاهان از زمین خشک، نشانه آن است

که) همانا قیامت آمدنی است و شکی در آن نیست، و خداوند تمام کسانی

را که در قبرها آرمیده‌اند زنده خواهد کرد.

پیام‌ها:

۱- آفرینش انسان و گیاه، نشانه‌ی حقانیت خداوند است. ﴿ذَلِكُ بَيِّنَةٌ لِّأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ﴾

۲- خداوند هرگز آفرینش را با مرگ و میر رها نمی‌کند زیرا کسی که حق است،

هرگز کار لغو و باطل از او سر نمی‌زند. پس باید آفریده‌های خود را به مقصد

و هدف نهائی برساند و پس از مرگ مرحله‌ی دیگری باشد. ﴿بَيِّنَةٌ لِّأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ﴾ و

انّه يُحْيِي الْمَوْتَى ﴿

- ۳- کسی که یک بار آفرید، باز هم می تواند بیاورند. ﴿يُحْيِي الْمَوْتَى﴾
 ۴- کسی که هم ابتداءً خلق می کند و هم می تواند در آفریده‌ی خود هرگونه تصرفی انجام دهد، قادر مطلق است. ﴿عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾
 ۵- معاد، جسمانی است. ﴿يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ﴾

﴿ ۸ ﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ

و از (میان) مردم کسی است که درباره‌ی خدا بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنی مجادله می کند.

پیام‌ها:

- ۱- سعی کنیم که در انتقاد، همه را توبیخ نکنیم. ﴿وَمِنَ النَّاسِ﴾
 ۲- جدال اگر از روی علم باشد مانعی ندارد. ﴿مُجَادِلٌ... بغير علم﴾
 ۳- راههای شناخت انسان متعدد است، گاهی از راه فکر و تعقل و تحصیل بدست می آید که شاید کلمه ﴿بغير علم﴾ اشاره به آن باشد و گاهی به دل الهام می شود که شاید کلمه ﴿هدی﴾ اشاره به آن باشد و گاهی از طریق کتب آسمانی و وحی و نبوت. ﴿وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ﴾

﴿ ۹ ﴾ ثَانِي عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ

يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ

(و) با تکبر و نخوت، می خواهد مردم را از راه خدا گمراه کند، برای او در دنیا رسوایی است و در قیامت، عذاب سوزان به او می چشانیم.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «ثانی» به معنای پیچاننده و «عطف» به معنای پهلوی است و پیچاندن پهلوی، کنایه از تکبر و غرور است.

پیام‌ها:

- ۱- سرچشمه جدال ناآگاهان، غرور و تکبر است. ﴿ثَانِي عَطْفِهِ﴾
- ۲- کیفر با گناه تناسب دارد. کیفر متکبر خواری است. ﴿فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ﴾
- ۳- متکبر، در همین دنیا بد عاقبت است. ﴿فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ﴾

﴿ ۱۰ ﴾ ذَلِكِ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ

در قیامت به او گفته می‌شود: این عذاب سوزان، به خاطر چیزی است که دست‌هایت از پیش فرستاده است، و قطعاً خدا به بندگان ظلم نمی‌کند.

﴿ ۱۱ ﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكِ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

و از (میان) مردم، کسی است که خداوند را تنها با زبان می‌پرستد، (ایمان او در حاشیه و در مرز کفر است و با حادثه‌ای کوچک می‌لغزد) پس اگر خیری به او برسد، به آن اطمینان یابد، و اگر مصیبت و آزمایشی به او رسد، دگرگون شود (و به سوی کفر رود، چنین کسی) در دنیا و آخرت زیانکار است، این همان زیان آشکار است.

نکته‌ها:

□ شاید به خاطر آن که ظلم کم نیز از خداوند عادل، ظلم بسیار محسوب می‌شود، در آیه‌ی شریفه، کلمه‌ی «ظَلَّامٌ» آمده است.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند عادل است و قهر یا مهر او نتیجه‌ی عملکرد ماست. ﴿ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ﴾
- ۲- دیگران را عامل گناه و خلاف خودمان ندانیم، که هرچه هست از خود ماست.

﴿قَدِّمْتُ يَدَاكَ﴾

۳- ایمان بعضی‌ها موسمی و سطحی است و حوادث تلخ و شیرین آن را تغییر می‌دهد. ﴿وَمِنَ النَّاسِ ...﴾

۴- حساب عقیده و عملی که بر اساس منطق است، از حساب فراز و نشیب‌های مادی جداست. (دین را برای نان نخواهیم) ﴿فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ...﴾

۵- انسان در معرض هجوم حوادث تلخ و شیرین است. ﴿أَصَابَهُ ... أَصَابَتَهُ﴾

۶- فقر و ناملایمات و سائل آزمایشند. ﴿أَصَابَتَهُ فِتْنَةٌ﴾

۷- ارتداد و بازگشت از راه خداوند، قهر شدید الهی و عذاب دوزخ را به دنبال دارد. ﴿انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ﴾

﴿۱۲﴾ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا نُنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

او غیر از خداوند چیزی را می‌خواند که نه زیانی به او می‌رساند و نه سودی، این است همان انحراف دور و عمیق.

﴿۱۳﴾ يَدْعُوا لِمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لِبَنَسِ الْمَوْلَىٰ وَلِبَنَسِ الْعَشِيرِ

بلکه کسی را می‌خواند که ضررش از نفعش بیشتر است، چه مولا و سرپرست بدی و چه همدم زشتی.

پیام‌ها:

۱- تمام سود و زیان‌ها به دست خداست و غیر او هیچ نقشی ندارد. ﴿دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَ مَا لَا يَنْفَعُهُ﴾

۲- شرک و دلبستگی به غیر خدا، بزرگ‌ترین انحراف است. ﴿دُونِ اللَّهِ ... هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ﴾

۳- شرک، پایگاه عقلی و منطقی ندارد. ﴿دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ﴾ زیرا پرستش، یا برای رسیدن به سودی است و یا جلوگیری از شرّی، که بت‌ها هیچ کدام را ندارند.

۴- شرک، به تمامی انواعش (معبودهای عاقل و بی عقل) محکوم است. (یکبار در کنار کلمه «یدعوا»، حرف «ما» آمد که برای موجودات بی شعور است و یکبار در کنار جمله «یدعو»، حرف «من» آمد که برای معبودهای با شعور از قبیل انسان، ملائکه و اجنه می باشد.

۵- به خاطر منافع زودگذر دنیا، ضرر دائمی آخرت را نخریم. «ضَرَّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ»

۶- ضرر طاغوت‌ها برای مردم بیش از چیزی است که به آنان می دهند. «ضَرَّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ»

۷- با کسی که تورا از خداوند باز می دارد و به سوی خود دعوت می کند معاشرت مکن و او را سرپرست و رهبر خود قرار مده. «لِبَيْسِ الْمَوْلَى»

﴿ ۱۴ ﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

همانا خداوند اهل ایمان و عمل صالح را در باغ‌هایی (از بهشت) وارد می کند که نهرها زیر درختانش جاری است، (آری) خداوند هرچه اراده کند، انجام می دهد.

پیام‌ها:

- ۱- ایمان و امید به وعده‌های حق، بزرگ‌ترین عامل برای رها کردن غیر اوست. «إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ ...»
- ۲- ایمان همراه با عمل، کلید نجات است و هیچ یک به تنهایی کارساز نیست. «آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»
- ۳- تنوع نعمت‌های الهی، برای کامیابی بیشتر بهشتیان است. «جَنَّاتٍ، أَنْهَارٍ»
- ۴- خداوند بر اساس تمایلات بشر پاداش می دهد. (انسان از باغ و نهر لذت می برد، در بهشت هم باغ‌ها و نهرهاست). «جَنَّاتٍ، أَنْهَارٍ»
- ۵- خداوند، قادر مطلق است و در انجام کارهایی که اراده می کند، به هیچ مانع و

بن بستنی نمی‌رسد. ﴿يَفْعَلْ مَا يُرِيدُ﴾ (همین قدرت سبب تضمین عمل به وعده‌های اوست).

﴿۱۵﴾ مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ

هر کس گمان می‌کند که خداوند او (پیامبرش) را در دنیا و آخرت یاری نمی‌کند، (و در پی مکر و حيله است، بگو تا) طنابی به آسمان بیاویزد (و خود را حلق آویز کند) سپس (آن را) قطع کند، آن گاه بنگرد که آیا نیرنگش خشم او را فرو می‌نشانند؟!

نکته‌ها:

□ بعضی آیه را مخصوص به پیامبر اکرم ﷺ ندانسته و این‌گونه ترجمه کرده‌اند: هر کس گمان می‌کند که خداوند او را یاری نمی‌کند...

□ شاید معنای آیه این باشد که فضاوردی نیز انسان بی‌خدا را آرام نمی‌کند. کلمه ﴿سَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ﴾ مراد وسیله فضاوردی و کلمه ﴿لِيَقْطَعْ﴾ به معنای پیمودن راه است، که در این صورت این آیه از معجزات علمی و پیش‌گوئی‌های قرآن است. به هرحال مشکل روحی بشر حتی با تکنولوژی پیشرفته و فضاوردی نیز حل نمی‌شود. ﴿هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ﴾

پیام‌ها:

۱- امداد و نصرت الهی، در دنیا و آخرت قطعی است. ﴿يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾

۲- ناامیدی از قدرت و نصرت الهی، تعادل انسان را از بین می‌برد. ﴿يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ﴾

۳- خودکشی هرگز راه نجات نیست. ﴿هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ﴾ (تنها وسیله‌ی آرام‌بخش، ایمان و توکل به خداست و هرگونه طرح و برنامه‌ی

دیگری، منهای اراده‌ی الهی و ایمان به او بیهوده است.)
 ۴- به کارگیری زمین و آسمان، صعود و سقوط، و هر اقدامی که فاقد ایمان باشد، بی اثر است. ﴿هَلْ يُذْهِبُ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ﴾

﴿۱۶﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ

و این گونه قرآن را (به صورت) آیات روشن نازل کردیم، و البته خداوند هر کس را بخواهد هدایت می‌کند.

پیام‌ها:

- ۱- سنت خداوند، بر نازل کردن آیات و وسایل هدایت است. ﴿كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا﴾
- ۲- قرآن، کتاب نور و آیاتش روشن است. ﴿بَيِّنَاتٍ﴾ (بر خلاف نظر بعضی که می‌گویند: قرآن، قطعی الصدور و ظنی الدلالة است.)
- ۳- قرآن وسیله‌ی هدایت است، ولی اصل هدایت کار خداوند و لطف اوست. ﴿أَنَّ اللَّهَ يَهْدِي﴾
- ۴- خداوند هر که را اراده کند هدایت می‌کند، ولی اراده او تابع حکمت اوست و لذا کسی را هدایت می‌کند که زمینه‌های لازم را در خودش ایجاد کرده باشد. ﴿يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ﴾

﴿۱۷﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَىٰ وَ

الْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ

اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

همانا خداوند در قیامت، میان مؤمنان (مسلمان) و یهودیان و صابئین و نصاری و مجوس و مشرکان، داوری کرده و حق را از باطل جدا خواهد نمود، همانا خداوند بر هر چیزی گواه (و از همه چیز آگاه) است.

نکته‌ها:

- در این که صابئین چه کسانی هستند، سخن بسیار است. بعضی گفته‌اند: ستاره پرستند، بعضی ملائکه پرست می‌دانند و بعضی می‌گویند: اینان گروهی از پیروان نوح علیه السلام هستند.
- شخصی از حضرت علی علیه السلام پرسید: چرا از مجوس جزیه (نوعی مالیات) گرفته می‌شود در حالی که آنان نه پیامبر داشتند و نه کتاب و جزیه گرفتن مخصوص اهل کتاب است؟! حضرت فرمود: مجوس هم کتاب آسمانی دارند و هم پیامبر الهی.^(۱)
- در این آیه میان گروه‌ها با کلمه‌ی «الَّذین» فیصله داده شده است، در قیامت نیز حساب مؤمنان بر حق، از حساب مشرکان منحرف و هر دو از حساب پیروان ادیان آسمانی دیگر جداست. کلمه‌ی «الَّذین» سه مرتبه بکار رفته است: درباره مؤمنان، ادیان دیگر و مشرکان.

پیام‌ها:

- ۱- در نام بردن از گروه‌ها، حق مؤمنان واقعی مقدم است. «الَّذین آمنوا»
- ۲- یهودیت، مسیحیت، مجوسیت و صابئیت همه از ادیان توحیدی و آسمانی‌اند، چون نام آنان در برابر مشرکان برده شده است. «والَّذین هادوا... والَّذین أشركوا»
- ۳- قیامت برای همه است و در آن روز بین همه‌ی گروه‌ها داوری می‌شود و تمام دعوای پایان می‌پذیرد. «إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ»
- ۴- در قیامت، خداوند هم قاضی است و هم شاهد. «إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ - إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»
- ۵- قضاوتی کامل است که قاضی اطلاعات همه جانبه داشته باشد. «يَفْصِلُ ... عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»
- ۶- دعوت به اسلام و مجادله نیکو لازم است، ولی توقع تمام شدن اختلافات ادیان را در دنیا نداشته باشید. در دنیا همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشید تا در قیامت خداوند فیصله دهد. «إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

۱. تفسیر نورالثقلین؛ توحید صدوق، ص ۳۰۶.

﴿ ۱۸ ﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

آیا ندیدی که هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبنده‌ها و بسیاری از مردم برای خدا سجده می‌کنند؟ البته بسیاری از مردم (به خاطر تکبر و لجاجت) قطعاً گرفتار عذابند، و هر که را خدا خوار کند، هیچ احترام‌کننده‌ای برای او نیست، همانا خداوند هر چه را بخواهد انجام می‌دهد.

پیام‌ها:

- ۱- در آسمان‌ها موجوداتی با شعور هستند. ﴿مَن فِي السَّمَوَاتِ﴾ (کلمه ی «مَن» برای صاحبان شعور است)
- ۲- تمام هستی برای خداوند سجده و خضوع می‌کند. ﴿يَسْجُدُ﴾ و شعور، مخصوص انسان نیست. ﴿مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (اگر بدانیم همه هستی تسلیم خدا هستند ما نیز وصله ناهم‌رنگ نخواهیم بود. شرک و تکبر مخالف نظام هستی است)
- ۳- انسان انتخاب‌گر است. ﴿يَسْجُدُ... كَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ﴾
- ۴- عذاب‌های الهی بر اساس حق و عدل است. ﴿حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ﴾
- ۵- عزت و ذلت تنها به دست خداست. ﴿مَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ﴾
- ۶- در برابر اراده‌ی خداوند، هیچ مانعی وجود ندارد. ﴿يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ﴾

﴿۱۹﴾ هَذَا خِصْمَانِ اِخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ
ثِيَابٌ مِّنْ نَّارٍ يُّصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ

این دو گروه مخالف، (کثیری که اهل عبادتند باکثیر دیگری که مستحق عذابند) درباره‌ی پروردگارشان به خصمه و جدال پرداختند، پس برای کسانی که کفر ورزیدند، لباس‌هایی از آتش بریده شده است، (و) از بالای سرشان مایع جوشانی ریخته می‌شود.

پیام‌ها:

- ۱- در طول تاریخ نزاع درباره خداوند بوده است. ﴿اِخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ﴾
- ۲- لباس هر یک از دوزخیان، مخصوص بدن اوست. ﴿قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ﴾
- ۳- لباس آتشین دوزخیان سرد نمی‌شود و دائماً از بالای سرشان مواد گداخته به آن تزییق می‌شود. ﴿يُّصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ﴾

﴿۲۰﴾ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ

با آن مایع جوشان (که از بالای سرشان ریخته می‌شود)، آنچه در درون و برویشان هست ذوب می‌شود.

﴿۲۱﴾ وَلَهُمْ مَقَامِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ ﴿۲۲﴾ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ
أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

و برای (کیفر) آنان گرزهایی از آهن است. هرگاه اراده کنند که از (شدت) غم از دوزخ خارج شوند، به آن برگردانده می‌شوند (و به آنان گفته می‌شود): بچشید عذاب سوزان را.

پیام‌ها:

- ۱- آتش دوزخ، درون و برون را می‌سوزاند. ﴿بُطُونِهِمْ - وَالْجُلُودُ﴾

- ۲- دوزخیان برای نجات خود دست و پا می‌زنند، اما تلاش آنان بی‌نتیجه است.
 ﴿أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا - أُعِيدُوا فِيهَا﴾
 ۳- عذاب دوزخ، ابدی است. ﴿أُعِيدُوا فِيهَا﴾
 ۴- دوزخیان، تحقیر و سرزنش می‌شوند. ﴿ذُوقُوا﴾

﴿۲۳﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

قطعاً خداوند کسانی را که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام داده‌اند، به باغ‌هایی که نهرها از زیر (درختان) آن جاری است، وارد می‌کند، در آن جا با دستبندهایی از طلا و مروارید زینت داده می‌شوند و در آن جا لباسشان از ابریشم است.

پیام‌ها:

- ۱- یکی از راههای شادی و تفریح، استفاده از طبیعت است. ﴿جَنَّاتٍ - أَنْهَارٍ﴾
- ۲- در کنار تهدید، امید و بشارت لازم است، در آیه‌ی قبل فرمود: ﴿ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾ و در این آیه فرمود: ﴿لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾
- ۳- یکی از زیبایی‌های قرآن، تناسب میان بیم‌ها و امیدها، انذارها و بشارت‌های آن است. ﴿قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ - وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾
- ۴- برهنگی ارزش نیست، بهشتیان هم لباس دارند. ﴿لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ﴾
- ۵- خداوند، محرومیت‌ها را جبران می‌کند. ابریشم و طلا که در دنیا برای مردان حرام است، در آخرت وسیله‌ی زیورشان خواهد بود. ﴿ذَهَبٍ - حَرِيرٍ﴾
- ۶- زیبایی و موزون بودن کلمه‌ها و جمله‌ها، نوعی فصاحت است. (آخرین جمله‌ی آیه قبل ﴿حَرِيقٍ﴾ بود و آخرین جمله این آیه ﴿حَرِيرٍ﴾ است)

﴿۲۴﴾ وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ

و (اهل بهشت) به سخنان پاک (و دلنشین) هدایت می‌شوند، و به راه خداوندی که شایسته‌ی ستایش است رهبری می‌گردند.

پیام‌ها:

- ۱- در کنار نعمت‌های مادی بهشت، نعمت‌های معنوی است. ﴿لِبِأْسِهِمْ فِيهَا حَرِيرٌ... وَ هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ﴾
- ۲- سخنان دلنشین، ارمغان بهشتیان است. ﴿الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ﴾
- ۳- پیمودن راه خدا، آراستگی ظاهری و باطنی لازم دارد. ﴿أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ - الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ - صِرَاطِ الْحَمِيدِ﴾
- ۴- بهترین کامیابی، خوش عاقبتی است. ﴿هدوا الى صِرَاطِ الْحَمِيدِ﴾

﴿۲۵﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي

جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ

بِظُلْمٍ نَّذِقْهُ مِن عَذَابِ أَلِيمٍ

همانا کسانی که کفر ورزیدند و (مؤمنان را) از راه خدا و مسجد الحرامی که آن را برای همه‌ی مردم، ساکنان مکه و یا (مسافران) بادیه‌نشین مساوی قرار دادیم بازمی‌دارند (گرفتار قهر ما خواهند بود) و هر کس در مسجد الحرام اراده انحراف و ظلم کند، ما به او عذاب دردناک می‌چشانیم.

نکته‌ها:

- امام صادق علیه السلام ذیل آیه فرمود: هر کس غیر خدا را در مسجد الحرام پرستش کند یا غیر اولیای خدا را متولی آن مکان مقدس بگیرد پس او دچار ظلم و الحاد شده است.^(۱)

۱. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۱، ص ۳۳۷.

پیام‌ها:

- ۱- عقیده‌ی فاسد، انسان را به کردار فاسد می‌کشاند. ﴿كُفِرُوا - يَصُدُّون﴾
- ۲- گناهان عادی، مقدمه‌ی گناهان بزرگتر می‌شوند. ﴿يَصُدُّون عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾
- ۳- مراکز دینی، خاری است در چشم منحرفان. ﴿يَصُدُّونَ عَنِ... الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾
- ۴- قوانین مکه باید از طرف مالک حقیقی تعیین شود. ﴿جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً...﴾
- ۵- مسجد الحرام، منطقه‌ای بین المللی است و همچون آسمان‌ها و اقیانوس‌ها حق هیچ فرد و کشور و حکومتی نیست. ﴿سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ﴾
- ۶- کیفر خداوند نسبت به منحرفان، قطعی است و هیچ کافر و ستمگری از عذاب الهی در امان نیست. ﴿وَمَنْ يُرِدْ﴾
- ۷- مکان‌ها یکسان نیستند. ﴿وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ...﴾ (مسجد الحرام باید مرکز امنی برای همه باشد).
- ۸- حساب انحراف عمدی و آگاهانه که به قصد ظلم است، از انحراف ناآگاهانه جداست. ﴿يَصُدُّونَ - وَمَنْ يُرِدْ﴾
- ۹- توهین به مقدسات و مراکز مذهبی، استحقاق عذاب دارد. ﴿نُدِقَهُ مِنْ عَذَابِ﴾

﴿ ۲۶ ﴾ وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ

بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

و (به یادآور) آنگاه که مکان کعبه را برای ابراهیم آماده ساختیم (به او گفتیم): هیچ گونه شرکی نسبت به من روا مدار و خانه‌ی مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه دار.

پیام‌ها:

- ۱- ماجرای کعبه و ابراهیم واقعه‌ای است که نباید فراموش شود. ﴿وَإِذْ﴾
- ۲- همه‌ی ما محتاج توفیقات الهی هستیم. ﴿بَوَّأْنَا﴾

۳- مکان‌های مقدّس باید در اختیار افراد مقدّس قرار گیرد. ﴿بَوَّأْنَا لِابْرَاهِيمَ مَكَانَ

الْبَيْتِ ﴿

۴- مردم دنیا، کعبه را از قدیم می‌شناختند. ﴿الْبَيْتِ ﴿

۵- هیچ‌گونه شرکی برای خدا مجاز نیست. ﴿لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا ﴿

۶- اوّل طهارت درون، بعد پاکی برون. ﴿لَا تُشْرِكْ بِي - طَهَّرْ بَيْتِي ﴿

۷- خدمت به مسجد، افتخاری ابراهیمی است. ﴿طَهَّرْ بَيْتِي ﴿

۸- تنها خودسازی کافی نیست، خدمت به خلق نیز لازم است. ﴿لَا تُشْرِكْ بِي... طَهَّرْ

بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَ... ﴿

۹- هر کجا به خدا منسوب باشد مقدّس است و همه باید به آن احترام بگذارند.

﴿طَهَّرْ بَيْتِي ﴿

۱۰- مرکز عبادت باید پاک باشد. ﴿طَهَّرْ بَيْتِي ﴿

۱۱- نماز و نمازگزار به قدری عزیز است که حتّی ابراهیم باید خادم مکان آن

باشد. ﴿طَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ... وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿

۱۲- حقّ مسجد الحرام، طواف و قیام و نماز است و از میان اینها طواف، پاداش

بیشتری دارد. ﴿لِلطَّائِفِينَ ﴿ (این‌که نام طواف قبل از رکوع آمده شاید اشاره به

این باشد که در مسجد الحرام، طواف مهم‌تر از نماز است)

﴿۲۷﴾ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ

كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

و در میان مردم بانگ حج برآور تا آنان، پیاده و سوار بر مرکب‌های چابک

از هر راه دوری به سراغ تو بیایند.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «ضامِر» به معنای حیوانی است که پیه بدنش آب شده و گوشت‌هایش به ماهیچه

تبدیل شده و چابک است، مانند حیوانی که بدن‌سازی شده و برای مسابقات آماده است.

حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ی ۲۸ نهج البلاغه می‌فرماید: «ألیوم المِضمار و غَداً السَّباق» یعنی امروز خود را چابک کنید تا در قیامت بتوانید سبقت بگیرید.

□ در روایات می‌خوانیم: حضرت ابراهیم علیه السلام گفت: خداوندا! صدای من به گوش کسی نمی‌رسد. خداوند فرمود: تو فریاد بزن، من به مردم ابلاغ می‌کنم.

□ اولین وظیفه‌ی زائران کعبه، پوشیدن لباس احرام و گفتن «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» است، امام صادق علیه السلام فرمود: این جملات پاسخ دعوت ابراهیم است.^(۱)

□ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در مدینه در سال دهم دستور داد که مؤذنان با بلندترین صدا مردم را برای حج همراه پیامبر دعوت کنند.^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- فریاد امروز اولیای خدا، در آیندگان اثر خواهد کرد. ﴿أَذِّن - يَأْتُوك﴾
- ۲- انبیا از پیشگامان امر به معروف بوده‌اند. ﴿وَأَذِّن﴾
- ۳- حج رفتن، به محضر اولیای خدا رسیدن است. ﴿يَأْتُوك﴾ (نفرمود: «یأتوه» آری، در مراسم حج محور رهبر الهی است)
- ۴- خداوند از غیب و آینده‌ی تاریخ خبر می‌دهد. ﴿يَأْتُوك - يَأْتِين﴾
- ۵- اگر انسان بر انجام کاری مکلف شد، باید مقدمات آن را فراهم کند. ﴿وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ...﴾
- ۶- پیاده رفتن به حج برتر از سواره است. («رجالاً» قبل از «کل ضامر» آمده است)
- ۷- اگر در انجام کاری، اراده و عشق باشد، امکانات در مرحله‌ی بعد قرار می‌گیرد. ﴿رَجَالاً وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ﴾
- ۸- حج، تنها مقصدی است که همیشه و از همه‌ی مناطق جهان مسافر دارد. ﴿مَنْ كَلَّ فَجَّ عَمِيقٍ﴾

۱. تفسیر نورالثقلین؛ علل الشرایع، ص ۴۱۶.

۲. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۴، ص ۲۴۵.

﴿۲۸﴾ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنَ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ

(مردم از هر منطقه‌ای به حج خواهند آمد) تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند و در ایام مخصوص حج، به خاطر چهار پایان زبان بسته‌ای که رزقشان شده، خدا را یاد کنند، پس از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را اطعام کنید.

نکته‌ها:

- امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از ﴿أَيَّاماً مَّعْلُومَاتٍ﴾ ایام تشریق، یعنی روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ از ماه ذی‌الحجه است. (۱)
- امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از ﴿يُذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ﴾، گفتنِ الله اکبر و جملات بعد از آن است که در دعای معروفی بعد از پانزده نماز که اول آن نماز ظهر روز عید قربان است، خوانده می‌شود. (۲)
- امام کاظم علیه السلام در پاسخ شخصی فرمود: اگر پوست قربانی مکه را به سلاخ به عنوان مزد بدهند مانعی ندارد، زیرا آنچه را که خوردنی است باید خود یا فقیر مصرف کند ﴿كُلُوا مِنْهَا وَ أَطْعِمُوا...﴾ و پوست خوردنی نیست. (۳)
- سیمای حج:
- * حج، یک بسیج عمومی و مانور موحدان است.
- * حج، چهره‌ی زیبای عشق و تعبد است.
- * حج، زنده نگاه داشتن خاطرات و خدمات پیامبرانی همچون ابراهیم و اسماعیل و محمد است. (درود خداوند بر همه‌ی آنان باد)
- * حج، مرکز اجتماعات بین المللی مسلمانان است.
- * حج، مرکز ارتباطها و تبادل اخبار و اطلاعات جهان اسلام است.

۲. تفسیر نورالثقلین.

۱. تفسیر نورالثقلین؛ معانی الاخبار، ص ۲۹۷.

۳. تفسیر نورالثقلین.

- * حج، پشتوانه‌ی اقتصاد مسلمانان و ایجاد اشتغال برای ده‌ها هزار مسلمان است.
- * حج، بهترین فرصت و زمان برای تبلیغات اسلامی، افشاگری توطئه‌ها، حمایت از مظلومان، براءت از کفار و ایجاد رعب و وحشت در دل آنان است.
- * حج، بهترین فرصت و زمان برای توبه، یاد مرگ و معاد، از همه چیز بریدن و صحرای عرفات و مشعر را دیدن و در انتظار مهدی موعود عجل الله فرجه نشستن است.

پیام‌ها:

- ۱- مسلمانان باید برای به دست آوردن منافع مادی و معنوی حج در صحنه حاضر باشند. ﴿لِيَشْهَدُوا﴾
- ۲- منافع حج به قدری مهم است که اگر مردم از دورترین نقاط دنیا هم بیایند، باز ارزش دارد. ﴿فَجَّ عَمِيقٌ - لِيَشْهَدُوا﴾
- ۳- انجام فرمان خدا و قصد قربت داشتن در حج، با بهره‌گیری‌های گوناگون جنبی منافاتی ندارد. ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾
- ۴- دستورات الهی به سود مردم است. ﴿مَنَافِعَ لَهُمْ﴾
- ۵- در حج، هم منافع دنیوی است و هم اخروی. ﴿مَنَافِعَ﴾ مطلق آمده است و امام صادق ع فرمود: مراد از «منافع» در آیه، منافع دنیا و آخرت است. ^(۱)
- ۶- فلسفه‌ی عبادات، یاد خداست. ﴿و يُذَكِّرُوا اسْمَ اللَّهِ﴾ (درباره‌ی فلسفه‌ی نماز نیز می‌خوانیم: ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ یعنی برای یاد خدا، نماز به یادار)
- ۷- عنصر زمان، در نیایش و دعا مؤثر است. ﴿فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ﴾ (عبادات اسلامی زمان بندی مخصوصی دارد)
- ۸- چهار پایان و تسلیم بودن آنها در برابر انسان و قربانی آنها و سودهای دیگری که دارند، از نعمت‌های الهی است که به بشر داده شده است. ﴿رَزَقَهُمْ﴾
- ۹- استفاده از گوشت قربانی برای خود زائران جایز است. ﴿فَكُلُوا﴾ (بر خلاف

۱. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۴۷، ص ۴۲۲.

عادت‌های زمان جاهلیت که مصرفش را برای حاجی حرام می‌دانستند)
 ۱۰- حضور در حج و رسیدن به منافع آن، باید با فقرزدایی همراه باشد. ﴿وَأَطِمْوَا
 الْبَائِسَ﴾

۱۱- اجتماع اغنیا در حج نباید آنان را از فقرا غافل کند. ﴿أَطِمْوَا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾

﴿۲۹﴾ ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ

سپس (زائران خانه خدا در روز عید قربان که قربانی کردند) باید آلودگی
 خود را بر طرف سازند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد خانه‌ی کهن و
 آزاد (کعبه) طواف نمایند.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «تَفَثٌ» به معنای چرک، مو، ناخن و شارب است، و «قضاء تَفَثٍ»، یعنی با گرفتن
 ناخن و مو از احرام بیرون آید و سپس برای ادامه اعمال حج، دور خانه‌ی کعبه طواف کنید.
- کلمه‌ی «عَتِيقٌ» به معنای قدیمی است و عتیقه به اشیای قدیمی گویند.
- در روز عید قربان، در سرزمین منا، در کنار مکه برای زائران خانه خدا سه کار واجب است:
 ۱. پرتاب هفت سنگریزه به جایگاه شیطان که آن را «رمی جمره» می‌گویند.
 ۲. ذبح و قربانی که در آیه‌ی قبل به آن اشاره شد.
 ۳. تراشیدن سر و یا کوتاه کردن مو و ناخن که در این آیه آمده است.
- امام باقر علیه السلام فرمود: کعبه نه ساکنی دارد و نه مالکی، بلکه خانه‌ای خُر و آزاد است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- بهداشت و نظافت، در بعضی عبادات مثل نماز، شرط ورود است، و در بعضی
 دیگر مثل حج، جزء آن و در مواردی مثل قرائت قرآن و اعتکاف شرط کمال
 آن به حساب می‌آید. ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾

۱. تفسیر نورالثقلین.

- ۲- سنّت چرک‌زدایی و رفع آلودگی، یک فرمان حتمی و جدی است، نه یک توصیه. ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا﴾
- ۳- آلودگی‌ها از خود انسان است، ﴿تَنْفَسُهُمْ﴾ ولی منافع، لطف الهی است که برای انسان قرار داده شد. ﴿مَنَافِعَ لَهُمْ﴾
- ۴- برای طواف دور خانه‌ی مقدّس و آزاد، باید از آلودگی‌ها و تعهدها آزاد شوید. ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا - وَلِيُوفُوا - وَلِيَطُوفُوا﴾
- ۵- انجام نذر، واجب است. ﴿وَلِيُوفُوا﴾
- ۶- سابقه، می‌تواند یک ارزش باشد. ﴿الْعَتِيقُ﴾
- ۷- خانه‌ی خدا ملک هیچ کس نیست. ﴿الْعَتِيقُ﴾

﴿۳۰﴾ ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ
الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ
اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ

این است (مناسک حج) و هر کس آنچه را خداوند محترم شمرده گرامی بدارد، قطعاً برای او نزد پروردگارش بهتر است، و چهار پایان برای شما حلال شده است، مگر آنچه (حرام بودنش) بر شما خوانده شده باشد پس، از پلیدی بت‌ها دوری کنید و از کلام باطل اجتناب ورزید.

نکته‌ها:

- برای «قول زور» مصادیق فراوانی ذکر شده است، از جمله: دروغ، گواهی ناحق و غنا، همان گونه که برای «حُرْمَاتِ اللَّهِ» مصادیقی ذکر شده، مانند قانون خدا، کتاب خدا و اهل بیت رسول خدا ﷺ که حفظ حرمت همه‌ی آنها لازم است.^(۱)
- گواهی دروغ، در ردیف شرک به خدا آمده و قول زور از گناهان کبیره است.^(۲)

۱. تفسیر کنزالدقائق.

۲. تفسیر نور الثقلین؛ بحار، ج ۴۷، ص ۲۱۶ - ۲۱۷.

پیام‌ها:

- ۱- آنچه را خداوند محترم داشته، گرامی بداریم. ﴿وَمَنْ يُعْظَمِ حُرْمَاتِ اللَّهِ﴾ (دستورات الهی را با احترام و عظمت یاد کنیم و در اجرای آنها، با نشاط و حسّاس باشیم)
- ۲- احترام به قوانین و مقدّسات الهی به نفع خود ماست. ﴿فَهُوَ خَيْرٌ لَّهِ﴾ و پاداش این احترام نزد خداوند است. ﴿عِنْدَ رَبِّهِ﴾
- ۳- اصل در چهارپایان، حلال بودن آنهاست، مگر دلیل خاصی از وحی داشته باشیم. ﴿أَحَلَّتْ - إِلَّا مَا يُتْلَى﴾
- ۴- بت پرستی، آلودگی است. ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ﴾ (مراسم حج و قربانی با شرک و بت پرستی آمیخته بود). ﴿فَاجْتَنِبُوا﴾

﴿۳۱﴾ حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا حَرَّمَ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ نَهَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ

(مراسم حج را انجام دهید) در حالی که همگی خالص برای خدا باشید و هیچ گونه شرکی به خداوند نورزید، و هر کس به خدا شرک ورزد، گویی از آسمان سقوط کرده و پرنده‌ای در فضا او را می‌ریاید، یا باد او را به مکانی دور پرتاب می‌کند.

نکته‌ها:

- «حُنْفَاء» جمع حنیف، به معنای کسی است که پیرو دین حق باشد.
- «حَطَفَ» به معنای ربودن سریع و «سَحِيق» به معنای دور است.
- توحید، به همه چیز ارزش می‌دهد و شرک، ارزش را از بهترین موجودات سلب می‌کند. هُدهُد - که به پروردگار جهان، ایمان داشت - به خاطر سوز و علاقه‌ای که برای هدایت مردم مشرک داشت، به جایی رسید که واسطه هدایت یک منطقه شد ولی انسان به خاطر شرک، طوری سقوط می‌کند که خوراک پرنده می‌شود.

□ مثال‌های قرآن، در هیچ زمان و مکانی کهنه نمی‌شود، هم طبیعی است و هم قابل فهم.
﴿كَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ﴾

پیام‌ها:

- ۱- قربانی، طواف، وفای به نذر و همه‌ی اعمال تنها برای خدا باشد. ﴿حُنْفَاءَ لِلَّهِ﴾
- ۲- جز خدا به هر قدرتی وصل شویم، پایانش سقوط است، حتی ابرقدرت‌ها.
﴿وَمَنْ يُشْرِكْ... خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ﴾
- ۳- شرک، از هیچ کس بخشوده نیست. ﴿وَمَنْ يُشْرِكْ﴾
- ۴- توحید و اخلاص، مانند حضور در آسمان است و شرک، همچون سقوط از آسمان و طعمه پرندگان شدن. ﴿خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ﴾
- ۵- میان جدا شدن از خدا و سقوط کردن و طعمه صیادان شدن، لحظه‌ای فاصله نیست. ﴿فَتَنخَطُّهُ﴾ (حرف فاء و کلمه‌ی «خطف»)
- ۶- مقدّس‌ترین کارها (طواف)، در مقدّس‌ترین مکان‌ها (مسجدالحرام) و در مقدّس‌ترین ایّام (عید قربان)، اگر با اخلاص همراه نباشد، عاقبتش سقوط است نه رشد. ﴿وَمَنْ يُشْرِكْ... خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ﴾
- ۷- اخلاص، انسان را در برابر بادهای و طوفان‌ها بیمه و نداشتن اخلاص انسان را در مسیر طوفان‌ها قرار می‌دهد. ﴿أَوْ تَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ﴾
- ۸- شرک، گرچه کم یا در یک لحظه باشد، هیچ سرمایه‌ای را باقی نمی‌گذارد. ﴿خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ - فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾

﴿۳۲﴾ ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِن تَقْوَى الْقُلُوبِ

این است (دستورات خداوند درباره‌ی حج) و هر کس شعائر خدا را گرامی بدارد، پس این از تقوای دل‌هاست.

نکته‌ها:

□ قرآن کریم در آیات دیگر، با صراحت دو مورد از مراسم و برنامه‌های حج را جزء شعائر الهی شمرده است: یکی «صفا و مروه» و دیگر «شتران قربانی»، ولی شعائر الهی در این دو خلاصه نمی‌شود و تمام عبادت‌های دسته جمعی از شعائر خداوند است، مانند نماز جمعه و جماعت و همه‌ی مراسم حج.

□ تقوا، از حالت‌های روحی است که از آثار و نشانه‌ها به وجود آن پی برده می‌شود، زیرا در کارهای ظاهری، بین گناه و ثواب فرق چندانی نیست، مثلاً: نماز خالصانه با نماز ریاکارانه در ظاهر یکی است و آنچه یکی را ارزشمند و دیگری را ضدارزش می‌کند، همان روح و باطن کار است که مربوط به قلب‌هاست. ﴿تقوی القلوب﴾

پیام‌ها:

- ۱- تقوای درونی باید آثار بیرونی هم داشته باشد، هر کس به شعائر بی اعتنا باشد، در حقیقت تقوای قلبی او کم است. ﴿مَنْ يُعْظِمَ شَعَائِرَ اللَّهِ فَاتَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾
- ۲- بزرگداشت‌ها باید بر اساس تقوا باشد، نه رقابت. ﴿مَنْ يُعْظِمُ... تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾

﴿۳۳﴾ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ

در آن (حیوانات قربانی) برای شما تا رسیدن زمان معین (عید قربان) منافی است، سپس جایگاه آن (قربانی) به سوی آن خانه قدیمی و آزاد (کعبه) است.

نکته‌ها:

□ بعضی گمان می‌کردند همین که شتر یا حیوان دیگری را برای قربانی معین کردند، حق سوار شدن بر آن و شیر دوشیدن از آن را ندارند. این آیه این تفکر را رد می‌کند.

پیام‌ها:

- ۱- در سایه‌ی تعظیم شعائر، منافع مادی شما نیز تأمین می‌شود. ﴿و لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ﴾
- ۲- در مراسم حج محوریت با کعبه است. ﴿و لِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ... مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾

﴿۳۴﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنَ

بِهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ فَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ

و (شما تنها امتی نیستید که تکلیف قربانی دارد، زیرا) ما برای هر امتی آئینی قرار دادیم، تا هنگام قربانی نام خدا را بر حیواناتی که خداوند روزی آنان کرده ببرند، خدای شما معبود یکتاست، پس فقط تسلیم او باشید، و به بندگان خالص بشارت ده.

نکته‌ها:

- کلمه «مُخْبِتِينَ» از «خَبِت» یعنی زمین وسیع و هموار که خالی از فراز و نشیب است و محبت به انسان آرام و مطمئن گفته می‌شود که از هرگونه پندار شرک دور باشد.
- کلمه‌ی «مَنْسَكٌ» یا مصدر، یا اسم زمان و یا اسم مکان است. لذا معنا چنین است: ما برای هر امتی برنامه عبادت یا زمانی را برای قربانی یا مکانی را برای آن قرار دادیم.

پیام‌ها:

- ۱- برنامه قربانی، در تمام ادیان آسمانی بوده است. ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ...﴾
- ۲- هنگام قربانی، نام خدا را باید به زبان آورد. ﴿لِيَذْكُرُوا﴾
- ۳- شیوه‌ی بندگی خداوند، تنها باید از طریق وحی باشد. ﴿جَعَلْنَا مَنْسَكًا﴾
- ۴- خدای ما پروردگار یکتاست. ﴿فَالْهُكْمُ لِلَّهِ وَاحِدٌ﴾، همان خدایی که هم دین ما را تأمین می‌کند، ﴿جَعَلْنَا مَنْسَكًا﴾ و هم دنیای ما را ﴿رَزَقَهُمْ مِنَ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ﴾.
- ۵- نام خداوند به قدری ارزش دارد که اگر هنگام ذبح حیوان بر زبان جاری شود، گوشت آن حیوان حلال، و گرنه حرام خواهد بود. ﴿لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ﴾
- ۶- غذای انسان‌های خداپرست نیز باید رنگ الهی داشته باشد. ﴿لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ﴾
- ۷- جز برای خدا تسلیم نشوید. ﴿فَلَهُ أَسْلِمُوا﴾
- ۸- همین که در تمام ادیان نام خدا بردن مطرح است، پس آفریدگار همه یکی است. زیرا اگر خدای دیگری بود این مراسم به صورت‌های دیگری نیز

مطرح می‌شد. ﴿فَالْهُكْمُ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾ (حرف «فاء» برای نتیجه است یعنی وحدت مکتب، نشانه‌ی وحدت معبود است).
 ۹- بشارت‌های الهی، مخصوص کسانی است که متواضع و تسلیم خدا هستند.
 ﴿بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ﴾

﴿۳۵﴾ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَ
 الْمُتَّقِيَةَ الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

(مُخْبِتِينَ) کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود دل‌هایشان از خوف خداوند می‌لرزد و بر آنچه (از سختی‌ها) به آنان می‌رسد مقاومند و برپاکندگان نمازند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.

نکته‌ها:

□ یاد خدا هم آرام‌بخش و هم برای اهل‌ایمان است، خوف‌آور، همانند کودکی که با یاد والدین، هم آرام می‌گیرد و هم از آنان پروا می‌کند و حساب می‌برد.

پیام‌ها:

- ۱- ترس از خدا و پروای درونی، یک ارزش است. ﴿وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾
- ۲- تقوا، بر همه‌ی کمالات مقدم است. ﴿وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ... وَالصَّابِرِينَ...﴾
- ۳- زیربنای انجام وظیفه بعد از تقوا، مقاومت و صبر است. ﴿وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ﴾
- ۴- صبری ارزش دارد که در برابر مشکلات دوام بیاورد. ﴿الصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ﴾
- ۵- رابطه با خدا، از رابطه با محرومان جدا نیست. ﴿وَالْمُقِيمَةَ الصَّلَاةِ - يُنْفِقُونَ﴾
- ۶- بخشش، مخصوص مال نیست، از علم و آبرو و هنر نیز می‌توان انفاق کرد. ﴿مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ﴾
- ۷- انفاقی ارزش دارد که دائمی باشد. («ینفقون» فعل مضارع نشانه استمرار است)

- ۸- در انفاق نیز اعتدال و میانه‌روی لازم است. ﴿وَمَا...﴾
 ۹- اموال و دارائی‌های انسان رزق الهی است. ﴿رِزْقَانَاهُمْ﴾

﴿۳۶﴾ وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و (قربانی کردن) شترهای چاق را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم، در آنها برای شما خیر است، پس (هنگام قربانی) نام خدا را بر شتران در حالی که ایستاده‌اند ببرید، پس چون به پهلو افتادند (و جان دادند) از گوشت) آنها بخورید و به فقیر قانع و فقیری که روی سؤال ندارد اطعام کنید، بدین گونه حیوانات قربانی را برای شما (رام و) مسخر کردیم، تا شاید شکرگزاری کنید.

نکته‌ها:

- «بُدن» جمع «بُدنة» است به معنای شتر سالم و فربه، و «صَوَافَّ» حیوانی است که زانوی خود را صاف نگاه داشته است.
- جمله‌ی «وَجَبَتْ جُنُوبُهَا» یعنی استقرار به پهلو و کنایه از جان دادن حیوان است. «قانع» فقیری است که قانع است و «مُعْتَرَّ» فقیری را گویند که نیازمند است اما حرفی به زبان نمی‌آورد، ولی به قصد کمک گرفتن از کنار شما عبور می‌کند.^(۱)
- در اسلام، هر جا مسأله خوردن مطرح است، در کنارش وظیفه دیگری نیز ذکر شده است: ﴿كُلُوا... وَلَا تَسْرِفُوا﴾^(۲) بخورید ولی اسراف نکنید.
 ﴿كُلُوا... وَأَطِعُوا﴾^(۳) بخورید و به دیگران بخورانید.

۲. اعراف، ۳۱.

۱. تفسیر نورالثقلین؛ کافی، ج ۳، ص ۴۹۹.

۳. حج، ۳۶.

﴿كُلُوا... واعملوا﴾^(۱) بخورید و عمل صالح انجام دهید.
﴿كُلُوا... واشكروا﴾^(۲) بخورید و سپاس گزارید.

پیام‌ها:

- ۱- در بزرگداشت شعائر الهی، سخاوتمندانه خرج کنید. ﴿وَالْبُدْنَ﴾ («بُدن» به معنای شتر چاق است)
- ۲- عرب جاهلی می‌پنداشت که از گوشت قربانی نباید استفاده کند. ﴿فَكُلُوا﴾
- ۳- در تعظیم شعائر دینی، مهم توجه و عنایت الهی است، خواه نسبت به جماد باشد، خواه نسبت به حیوان. ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ﴾، ﴿وَالْبُدْنَ... مِن شَعَائِرِ اللَّهِ﴾
- ۴- احکام دینی باید از طریق وحی معین شود. ﴿جَعَلْنَا﴾
- ۵- در شعائر الهی، منافع انسان‌ها نیز تأمین است. ﴿لَكُمْ﴾ (برخلاف قربانی در راه بت‌ها و یا ریخت و پاش‌های مسرفانه)
- ۶- در مکتب تربیتی اسلام، در تغذیه نیز خدا مطرح است. ﴿فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ﴾
- ۷- بهترین روش قربانی شتر، نحر آن در حال ایستاده است. ﴿صَوَّافٌ﴾
- ۸- تا جان در بدن حیوان هست، مصرف گوشتش ممنوع است. ﴿فَاذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا﴾
- ۹- گوشت قربانی باید تقسیم شود. (بین خود و دیگران) ﴿كُلُوا - اطعموا﴾
- ۱۰- به تمام گروه‌های بی‌بضاعت رسیدگی کنید. ﴿الْقَانِع - المعتز﴾
- ۱۱- قربانی در مکانی انجام گیرد که محل عبور فقرا باشد. ﴿المعتز﴾
- ۱۲- رام بودن و مسخر بودن حیوانات، خوردن گوشت قربانی و اطعام به دیگران، ذبح و نحر حیوانات در مراسم حج و اخلاص و رنگ الهی داشتن، نعمت‌هایی است که باید شکرگزاری شود. ﴿لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

۱. مؤمنون، ۵۱.

۲. سبأ، ۱۵.

﴿۳۷﴾ لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَدِمَآ وُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَٰلِكَ
سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ

هرگز گوشت و خون حیوانات قربانی، به خداوند نمی‌رسد، بلکه آنچه از طرف شما به او می‌رسد تقواست، این گونه خداوند حیوانات را برای شما مسخر نمود، تا خدا را به خاطر آن که شما را هدایت کرده است به بزرگی یاد کنید، و به نیکوکاران بشارت ده.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند به تکالیفی که انجام می‌دهیم، نیازی ندارد. ﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا﴾
- ۲- در ورای مسائل ظاهری دین، اهداف والاتری وجود دارد. (به ظاهر دستورات دینی بسنده نکنیم، داشتن اخلاص و روح تعبد و تسلیم در برابر فرمان خداوند، باطن احکام الهی است). ﴿و لَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ﴾
- ۳- رابطه‌ی انسان با خداوند از راه تقواست. ﴿يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ﴾
- ۴- خدا را به بزرگی یادکردن، یک نوع شکر الهی است. ﴿لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ﴾
- ۵- نعمت هدایت، از نعمت‌هایی است که برای شکر آن سفارش ویژه‌ای شده است. ﴿عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ﴾
- ۶- اگر لطف خداوند نباشد، همه گمراه خواهیم شد. ﴿هَدَاكُمْ﴾
- ۷- حج و مناسک آن جلوه آشکار هدایت است. ﴿عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ﴾
- ۸- انجام مناسک حج، انسان را در زمره محسنین قرار می‌دهد. ﴿وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ﴾

﴿۳۸﴾ إِنْ اللَّهُ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند، بی‌شک خداوند هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد.

نکته‌ها:

□ یکی از وعده‌ها و سنت‌های الهی، نصرت و دفاع از مؤمنین است و خداوند این دفاع و حمایت را به عنوان یک حق، بر خود لازم فرموده است: ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۱) البته معنای دفاع و نصرت الهی، همیشه دفاع و نصرت فوری و کوتاه مدّت نیست، بلکه دفاع دراز مدّت را نیز شامل می‌شود، زیرا در آیات دیگر می‌فرماید: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ آری، ممکن است در یک درگیری و جنگ، مؤمنین به ظاهر شکست بخورند ولی اهداف و تفکر آنان پیروز شود، چنانکه ابن ملجم، حضرت علی علیه السلام را به شهادت رساند، ولی آیا خداوند او را حمایت کرد یا علی علیه السلام را؟ نام علی، فرزند علی، کتاب علی، مناجات علی، عزّت علی، شیعه‌ی علی و تفکر علی سرانجام به پیروزی رسید.

□ «خَوَّان» و «كُفَّور» به معنای کسی است که کفر و خیانت، کار و سیره‌ی او باشد.

پیام‌ها:

- ۱- تحقق وعده‌ی الهی در دفاع از مؤمنان، حتمی است. ﴿إِنَّ﴾
- ۲- مؤمنان، تنها و بی مدافع نیستند. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾
- ۳- حمایت خداوند، ابدی است. ﴿يُدَافِعُ﴾
- ۴- مؤمنان، از حریم خدا دفاع می‌کنند و خدا از حریم مؤمنان. ﴿يُدَافِعُ﴾، نه «یدفع»
- ۵- مؤمنان، محبوب خدا هستند. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ﴾
- ۶- عنصری که نصرت و دفاع خدا را جلب می‌کند، ایمان است. ﴿عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا﴾
﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۲)
- ۷- قهر و غضب خداوند، بر اساس معیارهاست. ﴿يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا - لَا يَجِبُ كُلَّ خَوَّانٍ﴾ (دین خداوند امانتی در دست ماست که نباید به آن خیانت شود)
﴿لَا يَجِبُ كُلَّ خَوَّانٍ ...﴾
- ۸- همه‌ی مردم در برابر خداوند یکسانند، ﴿كُلَّ خَوَّانٍ﴾ و خیانت از هیچ‌کس

۲. همان.

۱. روم، ۴۷.

بخشیده نیست.

- ۹- بدتر از خیانت، خیانت‌پیشگی؛ «خَوَان» بدتر از کفر، کفرپیشگی است. «كُفُور»
 ۱۰- خیانت، زمینه‌ی کفر است. (اَوَّل «خَوَان» مطرح شده، بعد «كُفُور»)
 ۱۱- کسی که ایمان ندارد به خود و خدا و رسول خدا ﷺ خیانت کرده است.
 («خَوَان» در برابر «آمنا» قرار داده شده)

﴿۳۹﴾ اٰذِنَ لِلَّذِيْنَ يُفَاتِلُوْنَ بِاَنَّهُمْ ظَلَمُوْا وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيْرٌ

به کسانی که همواره مظلومانه مورد تهاجم و قتل عام قرار گرفته‌اند،
 اجازه دفاع و جهاد داده شده است و البته خداوند بر یاری آنان قادر است.

نکته‌ها:

- گفته‌اند: این آیه اولین آیه‌ای است که به پیامبر اکرم ﷺ اجازه جهاد و جنگ مسلحانه داده است، زیرا کار آن حضرت چند مرحله داشت: ۱. دعوت و اصلاح قلبی و خودسازی نیروها.
 ۲. تشکّل و بسیج نیروها. ۳. دفاع یا حمله.

پیام‌ها:

- ۱- جهاد، بدون اذن خدا و رسول جایز نیست. ﴿اٰذِنَ﴾
- ۲- مظلومان، مجازند با دشمنان خود جهاد کنند. ﴿اٰذِنَ - بِاَنَّهُمْ ظَلَمُوْا﴾
- ۳- نصرت خدا، بعد از بپاخاستن و حرکت ماست. ﴿اٰذِنَ - اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيْرٌ﴾
- ۴- به رزمندگان روحیه دهید. ﴿وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيْرٌ﴾
- ۵- حقّ بر باطل پیروز است. ﴿وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيْرٌ﴾
- ۶- امداد الهی، تنها جنبه‌ی نظامی ندارد و انواع نصرت‌ها و امدادها را شامل می‌شود. ﴿نَصْرِهِمْ﴾ به طور مطلق مطرح شده است.
- ۷- نصرت الهی حتمی است. (کلمه «انّ»، «لقدیر»، حرف لام و جمله‌ی اسمیه)
- ۸- امداد و یاری خداوند نسبت به مؤمنان گسترده است. ﴿قدیر﴾، نفرمود: «قادر»

﴿۴۰﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا
 دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَ
 صَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ
 يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

(مظلومان مورد تهاجم، کسانی هستند که به ناحق از خانه و کاشانه‌ی خود رانده شدند (و گناهی نداشتند) جز این که می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتا است و اگر خداوند (ظلم و تجاوز) بعضی از مردم را به وسیله‌ی بعضی دیگر دفع نکند، صومعه‌ها و کنیسه‌ها و کلیساها و مساجدی که نام خداوند در آنها بسیار برده می‌شود ویران می‌گردد، و قطعاً خداوند کسی که (دین) او را یاری کند، یاری می‌دهد، همانا خداوند نیرومند شکست ناپذیر است.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «صَوَامِع» جمع «صومعه» به معنای دیر و محل عبادت و ریاضت راهبان در بیابان‌ها و غارهاست. کلمه‌ی «بِیَع» جمع «بیعه»، محل عبادت مسیحیان است و کلمه‌ی «صَلَوَات» جمع «صلاة»، همان کنیسه و محل عبادت یهودیان است.
 - خرابی مسجد یعنی: محو اتحاد و تشکّل، قطع رابطه با امام عادل، فراموشی فقرا، عدم آگاهی از اوضاع و غفلت از خدا و لذا اگر دشمن بتواند، اوّل این مراکز را قلع و قمع می‌کند.
- ﴿هُدُمْتُ صَوَامِعَ وَبِیَعٍ...﴾
- امام صادق فرمود: تسبیح حضرت فاطمه زهرا از موارد ذکر کثیر است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- آوارگی از وطن به خاطر عقیده توحید روشن‌ترین نمونه مظلومیت است.
- ﴿ظَلَمُوا... الَّذِينَ أُخْرِجُوا﴾

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۰۰.

- ۲- علاقه به وطن، حق طبیعی انسان و اخراج از وطن، سلب این حق و سبب ظلم است. ﴿أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ﴾
- ۳- در قرآن، تبعید مفسدین فی الارض حق و تبعید مؤمنان ناحق است. ﴿بِغَيْرِ حَقِّ﴾
- ۴- دینداری، سختی و ناگواری دارد. ﴿أُخْرِجُوا... إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ﴾
- ۵- مؤمنان، وسیله‌ی تحقق اراده‌ی الهی اند. ﴿دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ﴾ (دفاع از خداوند است ولی بدست مؤمنین)
- ۶- برای حفظ مراکز دینی، گاهی باید خون داد. ﴿دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ ...﴾
- ۷- آنچه مهم است، دفاع از حریم مساجد است، خواه با جنگ باشد و خواه با قلم و بیان و یا برنامه‌های دیگر. ﴿دَفَعُ اللَّهُ...﴾
- ۸- مهم‌ترین برنامه‌ی دشمن، نابودی مراکز دینی بیدار کننده است. ﴿هَلَدِمْتُ﴾ (معابد، نشانه‌ی حضور دین در جامعه است).
- ۹- نام عبادتگاه مهم نیست، کفار و متجاوزین با یاد خدا و راه او به هر شکل و در هر کجا که باشد مخالفند. ﴿صَوَامِعَ - بِيَعٍ - صَلَوَاتٍ - مَسَاجِدَ﴾
- ۱۰- یاد خدا هدف اصلی و روح اعمال در مراکز دینی است. ﴿يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ﴾
- ۱۱- مساجدی مورد ستایش قرآن است که در آنها از خداوند بسیار یاد شود و به حداقل اکتفا نشود. ﴿مَسَاجِدُ يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا﴾ (در هر مکانی که بیشتر یاد او شود، مقدس‌تر است)
- ۱۲- امداد و نصرت الهی، بعد از حرکت و تلاش ماست. ﴿لِيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ﴾

﴿٤١﴾ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَ
 أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و (دیگران را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند؛ و پایان همه‌ی امور برای خداست.

نکته‌ها:

□ اگر قدرت و امکانات، در دست افراد صالح باشد، بهره‌برداری صحیح می‌کنند و اگر در اختیار ناهلان قرار گیرد سوء استفاده می‌کنند. بنابراین دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله‌ی بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است: اگر مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می‌روند ولی انسان‌های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَاطِفٌ»^(۱) و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می‌دارند، «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ»^(۲) و عاقبت، مردم را به دوزخ می‌کشانند. «أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ»^(۳)

پیام‌ها:

- ۱- یاری خداوند از طریق احیای دین اوست. «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ»، «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ...»
- ۲- امر به معروف و نهی از منکر، به قدرت نیاز دارد. «مَكَتَاهُمْ»
- ۳- پیروزی مؤمنان، زمینه‌ی بندگی و تعاون مالی و فرهنگی را فراهم می‌کند و غفلت و غرور را از بین می‌برد. «إِنَّ مَكَتَاهُمْ...»
- ۴- برای مؤمنان، تمام زمین یکسان است، آنان هر کجا که توان دارند هدف مقدّس خود را پیاده می‌کنند. «فِي الْأَرْضِ»
- ۵- همه‌ی قدرت‌ها را از خدا بدانیم. «مَكَّنَّا»
- ۶- اولین ثمره‌ی حکومت صالحان، نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر است. «إِنَّ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...»
- ۷- رابطه با خدا و دستگیری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگیری از مفاسد، از هم جدا نیست. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ...»
- ۸- اقامه‌ی نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای

۱. علق، ۶.

۲. بقره، ۲۰۵.

۳. قصص، ۴۱.

- قطعاً مسئولان حکومت اسلامی است. ﴿اقاموا﴾
- ۹- حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. ﴿اقاموا الصلاة و آتوا الزکاة...﴾
- ۱۰- جامعه‌ای تحت حمایت خداوند است که این چهار ارزش محوری را داشته باشد: نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر. ﴿و لینصرن الله من ینصره﴾، ﴿الذین ان مکناهم اقاموا الصلاة﴾
- ۱۱- امر و نهی شما، زمانی در جامعه موثر است که اول به وظایف فردی خود عمل کنید. ﴿اقاموا الصلاة... امروا بالمعروف﴾
- ۱۲- اقامه‌ی نماز، به قدرت و امکانات نیاز دارد. ﴿ان مکناهم... اقاموا الصلاة﴾
- ۱۳- زکات، همتای ناگسستنی نماز است. ﴿اقاموا الصلاة و آتوا الزکاة﴾ (در ۲۸ آیه‌ی قرآن، زکات در کنار نماز آمده است).
- ۱۴- با انجام همه‌ی وظایف، باز هم به حسن عاقبت خود و نتیجه‌ی نهایی کارتان مطمئن نشوید و بر خداوند امید و توکل داشته باشید. ﴿ولله عاقبة الامور﴾
- ۱۵- امکانات، بیش از چند روزی در دست شما نیست. ﴿ولله عاقبة الامور﴾

﴿ ۴۲ ﴾ **وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ**

و (ای پیامبر!) اگر تو را تکذیب می‌کنند (نگران مباش، زیرا) قوم نوح و عاد و ثمود نیز که قبل از اینها بودند، انبیا را تکذیب کردند.

﴿ ۴۳ ﴾ **وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمِ لُوطٍ**

و قوم ابراهیم و لوط (نیز پیامبرشان را تکذیب کردند).

﴿ ۴۴ ﴾ **وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ**

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

و مردم (منطقه‌ی) مَدَین، انبیای خود را تکذیب کردند، موسی (نیز) مورد تکذیب مردم قرار گرفت، پس به کافران مهلت دادم (و همین که در غفلت غرق شدند) آنان را (با قهر خود) گرفتم، پس چگونه خواهد بود عذابی که آنان نه دیده‌اند و نه شنیده‌اند (و نمی‌توانند عمق آن را بفهمند)؟

پیام‌ها:

- ۱- تکذیب دشمنان، نباید مانع ادامه‌ی راه شود. ﴿وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ...﴾
- ۲- از دشمنی کفّار نهراسید. ﴿إِنْ يُكَذِّبُوكَ...﴾ (خداوند پیامبر را دلداری می‌دهد)
- ۳- تاریخ تکرار می‌شود. ﴿فَقَدْ كُذِّبَتْ قَبْلَهُمْ﴾
- ۴- برای عبرت و تربیت، از تاریخ استفاده کنید. ﴿قَبْلَهُمْ﴾
- ۵- نوح و ابراهیم و لوط از طرف قوم خود تکذیب شدند. (قوم ابراهیم - قوم لوط - قوم نوح) ولی موسی از طرف قومش تکذیب نشد بلکه از طرف قبطیان تکذیب شد. ﴿كَذَّبَ مُوسَىٰ﴾ و نفرمود: «قوم موسی»
- ۶- سنّت خداوند بر فرستادن انبیاست. (نوح، ابراهیم، موسی، شعیب، و لوط)
- ۷- خداوند به تبهکاران مهلت می‌دهد. ﴿فَأَمَلَيْتُ﴾
- ۸- تبهکاران، مهلت خداوند را نشانه‌ی محبت یا غفلت او ندانند. ﴿ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ﴾

﴿۴۵﴾ فَكَأَيِّنْ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا

وَ بِنُورٍ مُّعْطَلَةٍ وَ قَصْرِ مَّشِيدٍ

پس چه بسیار از (شهرها و) آبادی‌هایی که ستمگر بودند و آنها را هلاک کردیم، پس (دیوارهای) آن بر سقف‌هایش فرو ریخت، (نخست سقف‌ها ویران شد، و بعد دیوارها و پایه‌ها بر روی سقف‌ها سقوط کرد). و چه بسیار چاه (پر آب)، متروکه و چه بسا قصرهای بلند (و محکمی که بی‌ساکن یا مخروبه شد).

نکته‌ها:

□ کلمه «خاویة» از «خواء» به معنای فرو ریختن و سقوط کردن است و کلمه «مشید» هم به معنای کاخ بلند است و هم کاخ گچ کاری شده.

پیام‌ها:

- ۱- قهر خدا بر ستمگران حادثه نیست، یک جریان است. ﴿فَكَأَيِّنْ﴾
- ۲- از تاریخ درس بگیرید. ﴿فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ...﴾
- ۳- نتیجه‌ی ظلم، نابودی است. ﴿وَهُی ظَالِمَةٌ - اهلکناها﴾
- ۴- در برابر قهر خدا، نه سقفی می ماند و نه ستونی. ﴿خاویة علی عروشها﴾

﴿٤٦﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ

آیا آنان در زمین سیر نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که با آن حقیقت را درک کنند، یا گوش‌هایی که با آن حقیقت را بشنوند؟ البتّه چشم‌های آنان کور نیست، لکن دل‌هایی که در سینه دارند نابینا است.

پیام‌ها:

- ۱- سفرهای علمی و تجربی، کاری ارزشمند و راهی مطلوب برای گسترش شناخت است. ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا﴾
- ۲- زمین و زمان، کلاس درس است و کسانی که عبرت نمی‌گیرند سزاوار توبیخ هستند. ﴿أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ﴾
- ۳- گروهی از مردم، نه از پیامبران بیرونی پند می‌گیرند و نه از عقل که پیامبر درونی است. ﴿يعقلون بها﴾
- ۴- عقل، گوش و چشم از ابزار شناخت است. ﴿يعقلون... آذان... ابصار﴾

۵ - بدتر از نابینایی چشم، نابینایی دل است که با پسند گرفتن بینا نمی شود.
﴿تعمی القلوب﴾

آری، اصرار در لجاجت و دشمنی با حق، انسان را مسخ می کند و او را به جایی می رساند که نه با عقل حقیقت را درک می کند و نه با چشم و گوش.

﴿۴۷﴾ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

و کفار، تعجیل عذاب الهی را از تو می خواهند، در حالی که خداوند هرگز از وعده‌ی خود تخلف نمی کند و یک روز نزد پروردگارت به منزله‌ی هزار سال (از سال‌هایی) است که شما می‌شمیرید.

نکته‌ها:

□ در برابر هشدار انبیا، کفار بارها از آنان می پرسیدند: آن قهر الهی که از آن سخن می گوید، چه زمانی ما را فرا خواهد گرفت؟ «و یقولون متى هذا الوعد ان کنتم صادقین»^(۱)، این آیه به آنان پاسخ می دهد که عجله نکنید، وعده‌ی الهی حتمی است.

پیام‌ها:

- ۱- مهلت دادن خدا را نشانه‌ی غفلت او و رها شدن خود ندانیم. ﴿يَسْتَعْجِلُونَكَ﴾
- ۲- درخواست‌های بیجا و جوسازی‌ها و سؤال‌های بی ربط، ما را تحت تأثیر قرار ندهد. ﴿يَسْتَعْجِلُونَكَ﴾
- ۳- زمان در نزد ما با نزد خداوند متفاوت است. ﴿وَ إِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ﴾

۱. این آیه شش مرتبه در قرآن تکرار شده است.

﴿ ۴۸ ﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ

و چه بسیار از (شهرها و) آبادی‌هایی که به (اهل) آن مهلت دادم در حالی که ستمگر بودند (اما از این مهلت، برای توبه و اصلاح خویش استفاده نکردند و بر کفر خود اصرار ورزیدند). سپس آن (ها) را با قهر خود گرفتم و بازگشت (همه) به سوی من است.

پیام‌ها:

۱- یکی از سنت‌های الهی، مهلت دادن به ستمگران است پس عجله ما بیهوده است. ﴿و کائین من قریة املیت﴾

۲- ظلم انسان، سبب قهر الهی است. ﴿و هی ظالمة - اخذتها﴾

﴿ ۴۹ ﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

بگو: ای مردم! همانا من برای شما هشدار دهنده‌ای روشن‌گرم.

﴿ ۵۰ ﴾ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

پس کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، برایشان آمرزش و رزق نیکو خواهد بود.

﴿ ۵۱ ﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

و کسانی که در (انکار و رد) آیات ما تلاش کردند و چنین پنداشتند که می‌توانند مارا عاجز کنند (و بر ما پیروز شوند) آنان اهل دوزخند.

پیام‌ها:

۱- پیامبران، از پیش خود سخن نمی‌گفتند. ﴿قل﴾

۲- هشدار انبیا به نفع مردم است. ﴿لکم﴾

۳- پیامبر، بر مردم تحکم و سیطره و حق اجبار ندارد. ﴿انما انا لکم نذیر مبین﴾

- ۴- نیاز مردم به انذار، بیش از تبشیر است. ﴿أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ﴾
 ۵- پیامبر، با مردم به روشنی سخن می‌گوید. ﴿مبین﴾
 ۶- ایمان از عمل صالح جدا نیست، (هر دو با هم شرط بهره‌گیری از پاداش‌های الهی است). ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ...﴾
 ۷- پاداش معنوی، بر پاداش مادی مقدم است. ﴿مَغْفِرَةٌ - رِزْقٌ كَرِيمٌ﴾
 ۸- رزقی ارزش دارد که با کرامت و تکریم باشد. ﴿رِزْقٌ كَرِيمٌ﴾
 ۹- هیچ کس نمی‌تواند مانع تحقق اهداف الهی شود، گرچه کافران تلاش کنند. ﴿سَعَوْا﴾
 ۱۰- کفّار، نه حرف تازه دارند و نه منطق، تنها کارشان، تلاش برای خنثی کردن راه حق است. ﴿مُعَاجِزِينَ﴾
 ۱۱- دوزخ، برای گروهی از مردم دائمی است. ﴿اصْحَابِ الْجَحِيمِ﴾

﴿۵۲﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم، مگر این که هرگاه آرزو می‌کرد (و برای پیشبرد اهداف الهی خود طرحی می‌ریخت) شیطان در (طرح و) آرزوی او (مسائلی را) القا می‌کرد، لکن خداوند هر چه را که شیطان القا می‌کرد از بین می‌برد، سپس آیات خود را استحکام می‌بخشید و خداوند آگاه و حکیم است.

نکته‌ها:

□ مردم در برابر وسوسه‌های شیطان چند دسته‌اند:

۱. افرادی وسوسه‌ی شیطان در روحشان کارساز است. ﴿يُوسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ﴾^(۱)
۲. بعضی‌ها شیطان با آنان تماس می‌گیرد، ولی فوراً متوجه می‌شوند و او را طرد می‌کنند.

﴿مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا﴾^(۱)

۳. گروهی، شیطان همیشه با آنهاست. ﴿فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ﴾^(۲)

پیامبران الهی جزء هیچ یک از این سه دسته نیستند، آنان معصومند و شیطان نه قرین آنهاست، نه در روحشان وسوسه می‌کند و نه با آنان تماس می‌گیرد، شیطان در طرح و برنامه و آرزوی آنان القائاتی دارد و ناگفته پیداست که حساب طرح پیامبران و برنامه‌ها و اهدافشان، از حساب شخصی آنان جداست.

پیام‌ها:

- ۱- پیامبر اسلام ﷺ آخرین پیامبر است. ﴿قَبْلَكَ﴾ (در تمام قرآن درباره‌ی پیامبر اسلام، کلمه‌ی «بعْدَكَ» وجود ندارد).
- ۲- تضادّ میان حقّ و باطل، یک جریان دائمی بوده است. ﴿مِن رَّسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَّتْ أَلْفُ الشَّيْطَانِ...﴾
- ۳- همه‌ی پیامبران در یک سطح نیستند. ﴿رَسُولٌ - نَبِيٌّ﴾ (رسول مسئول تبلیغ گسترده است، ولی نبی در آن حدّ نیست).
- ۴- انبیا برای اهداف خود طرح و برنامه دارند. ﴿تَمَّتْ﴾
- ۵- شیطان در انبیا اثری ندارد ولی در اهداف آنان وسوسه می‌کند. ﴿أُمْنِيَّتِهِ﴾
- ۶- وسوسه‌های شیطان، بهترین برنامه‌ها را نیز تهدید می‌کند. ﴿أُمْنِيَّتِهِ﴾
- ۷- در تضادّ میان حقّ و باطل، خداوند باطل را محو و حقّ را تثبیت می‌کند. ﴿فَيَسِّخُ اللَّهُ... ثُمَّ يُحْكِمُ﴾
- ۸- در پیروزی حقّ بر باطل عجله نکنید. ﴿ثُمَّ﴾ (رمز دراز مدّت است)
- ۹- حقّ، بدون حمایت خداوند پایدار نیست. ﴿يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ﴾
- ۱۰- تضادّ حقّ و باطل و پیروزی حقّ بر باطل، نقشه‌ی حکیمانه و عالمانه‌ی الهی است. ﴿يُحْكِمُ اللَّهُ - عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾

۱. اعراف، ۲۰۱.

۲. زخرف، ۳۶.

﴿۵۳﴾ لِيَجْعَلَ مَا يُلقى الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَ
الْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

تا (خداوند) القائنات شیطان را برای آنان که در دل‌هایشان بیماری است و
(نیز) برای سنگدلان، وسیله‌ی آزمایش قرار دهد و قطعاً ستمگران در
دشمنی طولانی و عمیقی هستند.

پیام‌ها:

- ۱- القائنات شیطان، وسیله‌ی آزمایش افراد سنگدل و بیمار دل است. ﴿فِتْنَةً﴾
(بیماری روحی و سنگدلی زمینه‌ای مناسب برای قرار گرفتن در دام فتنه‌ها و
شیطان است.)
- ۲- با این که سنگدلی، نوعی بیماری روحی است، ولی جداگانه مطرح شده تا
اهمیت آن مشخص شود. ﴿والقاسية قلوبهم﴾
- ۳- سنگدلانی که تحت تأثیر القائنات شیطان قرار گیرند ستمگرند. ﴿وَإِنَّ الظَّالِمِينَ﴾

﴿۵۴﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ
فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادٍ لِّلَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

و نیز آگاهان بدانند (وحی کدام است و القائنات شیطان کدام، و بدانند) که
طرح و آرزوی انبیا حقی است از طرف پروردگار تو، پس به آن ایمان
آورند و دل‌هایشان در برابر آن خاضع گردد و قطعاً خدا کسانی را که
ایمان آورده‌اند، به راه مستقیم هدایت می‌کند.

نکته‌ها:

- القائنات شیطان، در برنامه‌های انبیا و نسخ آنها از طرف خداوند، دو اثر دارد:
 ۱. وسیله‌ی آزمایش برای بیمار دلان و سنگدلان است.
 ۲. خنثی شدن القائنات شیطان، سبب نورانیت دل و ایمان اهل علم و آگاهی است.

پیام‌ها:

- ۱- علم آن است که به انسان قدرت تشخیص حَقّ از باطل را بدهد. (و تنها محفوظات تقلیدی و سطحی نباشد). ﴿و ليعلم أنه الحق...﴾
- ۲- گاهی بهره برداری‌ها و برداشتهای مادی یا معنوی، مربوط به خلق و خوی شخصی افراد است. یک القای شیطانی برای افراد سنگدل فتنه است ولی برای اهل علم، کلید شناخت می‌شود. ﴿ليعلم﴾
- ۳- علم، یک موهبت الهی است که به افراد داده می‌شود. ﴿وتوا﴾
- ۴- اهل علم نباید سنگدل و بیمار دل باشند. زیرا در این آیه، ﴿وتوا العلم﴾ در برابر ﴿فی قلوبهم مرض والقاسية قلوبهم﴾ - که در آیه‌ی قبل آمده - قرار گرفته است.
- ۵ - علم از اوست ﴿وتوا العلم﴾، حَقّ از اوست ﴿الحق من ربك﴾، هدایت هم از اوست. ﴿ان الله هاد الذين﴾
- ۶- علم، ایمان و خضوع از مراحل تکامل انسان است. ﴿وتوا العلم، فيؤمنوا، فتخيت﴾
- ۷- هر کس گام اول ایمان را برداشت، خداوند او را به گام‌های بعد هدایت می‌کند. ﴿فيؤمنوا... ان الله هاد الذين﴾

﴿ ۵۵ ﴾ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً
 أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ

و کسانی که کفر ورزیدند همواره از قرآن و نبوت در شک هستند، تا زمانی که قیامت به طور ناگهانی برای آنان فرا رسد، یا عذاب روز عقیم (روزی که بر جبران گذشته قادر نیستند) به سراغشان آید.

پیام‌ها:

- ۱- اگر شک و تردید، مقدمه‌ی تحقیق و ایمان شود ارزشمند است؛ و اگر دائمی باشد، پایانش انحراف و عذاب است. ﴿لا يزال﴾
- ۲- از همه‌ی مردم انتظار ایمان نداشته باشید، زیرا برای گروهی از آنان هیچ دلیل

- و برهانی مؤثر نیست. ﴿لَا يَزَالُ ... فِي مِرْيَةٍ﴾
 ۳- کسی که خط کفر و مبارزه با حق را پذیرفت، در برابر هر حقیقتی با سوء ظن و تردید برخورد می‌کند. ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ﴾
 ۴- چون مرگ و قیامت ناگهانی است، هرگز غافل نباشیم. ﴿بِعْتَةِ﴾
 ۵- بعد از برپایی قیامت، فرصتی نیست که گذشته‌ی خود را جبران کنیم. ﴿عَقِيمٍ﴾

﴿۵۶﴾ **الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ**

در روز قیامت حکومت برای خداست، او در میان مردم حکم و داوری می‌کند، پس کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند در باغ‌های پر نعمت (بهشت) خواهند بود.

پیام‌ها:

- ۱- روز قیامت، هیچ کس هیچ قدرتی ندارد، جز با اراده‌ی او. ﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ﴾
- ۲- داوری خداوند بر اساس عملکرد ماست. ﴿يَحْكُمُ ... فَالَّذِينَ آمَنُوا ... جَنَّاتٍ﴾

﴿۵۷﴾ **وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ**

و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند، پس برای آنان عذاب خوارکننده‌ای است.

پیام‌ها:

- ۱- مبنای داوری خداوند در قیامت، کفر و ایمان مردم است. ﴿يَحْكُمُ ... فَالَّذِينَ آمَنُوا ... وَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾
- ۲- کیفر کسی که متکبرانه حق را نپذیرد، عذاب خوارکننده است. ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا ... لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾

﴿ ۵۸ ﴾ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

و کسانی که در راه خدا هجرت کنند، سپس کشته شوند یا بمیرند قطعاً خداوند رزق نیکویی به آنان خواهد داد، و همانا خداوند بهترین روزی دهندگان است.

﴿ ۵۹ ﴾ لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ

بی تردید خداوند آنان را در محلی وارد می‌کند که مورد رضایتشان باشد، همانا خداوند دانا و بردبار است.

پیام‌ها:

- ۱- هجرت هدفدار یک ارزش است. ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا﴾
- ۲- مرگ افراد مهاجر همسنگ شهادت است. ﴿قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا﴾ (مرگ یا شهادت مهم نیست، مهم در راه خدا بودن است)
- ۳- در راه خدا ناکامی نیست، اگر بندگان شایسته‌ی خداوند از لذت‌های دنیا محروم شوند به نعمت‌های بزرگ آخرت می‌رسند. ﴿لَيَرْزُقَنَّهُمُ﴾
- ۴- تحقق وعده‌های الهی قطعی است. ﴿لَيَرْزُقَنَّهُمُ﴾ (حرف لام و حرف نون)
- ۵- رزق دنیا گاهی نیکوست و گاهی تلخ، ولی بهشتیان تنها از رزق نیکو برخوردارند. ﴿رِزْقًا حَسَنًا﴾
- ۶- رازق واقعی خداست و دیگران واسطه‌ی رزق هستند. ﴿خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾
- ۷- مسکن و جایگاه دل‌پذیر از برجسته‌ترین نمونه‌های رزق نیکو است. ﴿رِزْقًا حَسَنًا... مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ﴾

﴿ ۶۰ ﴾ ذَلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُؤٌ غَفُورٌ

(آری)، مطلب چنین است، و هر کس به همان مقدار که به او ستم شده مجازات کند، ولی باز هم به او ظلم شود، قطعاً خداوند او را یاری خواهد کرد، البتّه خداوند بخشایشگر و آمرزنده است.

نکته‌ها:

□ در تفسیر نمونه می‌خوانیم: مشرکان در ماه محرم گفتند: چون مسلمانان جنگ در این ماه را حرام می‌دانند، ما به آنان هجوم ببریم، زیرا آنان از خود دفاعی نمی‌کنند. لکن این آیه می‌فرماید: دفاع از خود واجب است، در هر ماهی که باشد.

پیام‌ها:

- ۱- دفاع، حقّ طبیعی هر انسانی است. ﴿وَمَنْ عَاقَبْ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ﴾
- ۲- عدالت، در همه جا یک ارزش است. ﴿بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ﴾
- ۳- یاور مظلومان خداست. ﴿لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ﴾
- ۴- یاری مظلوم، همیشه با نابودی ظالم همراه نیست. خداوند مظلوم را یاری می‌کند، ولی ممکن است ظالم نیز به دلیلی مورد عفو الهی قرار گیرد. ﴿لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ - عَفْوٌ غَفُورٌ﴾

﴿۶۱﴾ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَاَنَّ

اللّٰهُ سَمِيعٌ بَصِيْرٌ

این (و عده‌ی نصرت الهی) به خاطر آن است که خداوند (بر هر چیزی قادر است، اوست که) شب را در روز فرو می‌برد و روز را در شب فرو می‌برد، البتّه خداوند شنوا و بیناست.

نکته‌ها:

□ در آیه‌ی قبل خداوند فرمود: «لَيَنْصُرَنَّ»، ما مظلوم را یاری می‌کنیم. در این آیه و آیه‌ی بعد به دلایل و زمینه‌های نصرت، اشاره کرده و آن عبارت است از:

۱. قدرت خداوند. «يُوجِبُ الْبَيْلَ»
 ۲. علم او. «سَمِيعٌ بَصِيرٌ»
 ۳. حق بودن او. «ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ»
 ۴. بزرگی و عظمت او. «الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ»

پیام‌ها:

- ۱- مشیت، نمونه‌ی خروار است. قدرت و علم خدا در تغییر شبانه روز، نشانه‌ی قدرت او بر نصرت بندگان است. «يُوجِبُ الْبَيْلَ»
 ۲- تغییرات شب و روز تصادفی نیست و تدبیر امور جهان، مدبری حکیم و دانا دارد. «يُوجِبُ ...»

﴿ ۶۲ ﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ

اللَّهُ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

این (یاری مظلوم از سوی خداوند) به خاطر آن است که خداوند حق است و هر چه را غیر از او بخوانند، آن باطل است؛ البتّه خداوند، بلند مرتبه و بزرگ است.

پیام‌ها:

- ۱- جا به جایی شب و روز نشانه‌ای گویا از تدبیر و ربوبیت و یکتائی اوست. «ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ»
 ۲- هر معبودی جز او موهوم است. «بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ ... مِن دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ»
 ۳- خدای متعال معیار حق است، نه چیز دیگر. «ذَلِكَ بَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ»

﴿ ۶۳ ﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ

اللَّهُ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

آیا ندیدی که خداوند از آسمان، آبی فرو فرستاد، آنگاه زمین سرسبز گشت؟ همانا خداوند دارای لطف و آگاهی است.

پیام‌ها:

- ۱- مطالعه در هستی، زمینه‌ی ایمان به خداست. ﴿أَلَمْ تَرَ﴾
- ۲- خداوند در جهان هستی، بر اساس عوامل طبیعی کار می‌کند. ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ﴾
- ۳- آثار و برکات طبیعت از اوست. (اگر باران، زمین و طبیعت مرده را سبز و خرم می‌کند، این هم لطف الهی است). ﴿فَتُصْبِحُ - إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ﴾

﴿۶۴﴾ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است مخصوص اوست، و در حقیقت، این خداوند است که بی‌نیاز و ستوده است.

نکته‌ها:

□ وجود انسان، سراسر فقر و به هوا، غذا، مسکن، لباس و چیزهای دیگر محتاج است و اگر چند روزی در شاخه‌ای از امور خود را بی‌نیاز بپندارد، دست به طغیان می‌زند و عوارض و خطراتی به دنبال دارد، مانند: بی‌تفاوتی، غفلت، استنثار، ولی خداوند ﴿الغنی الحمید﴾، بی‌نیاز مطلق و شایسته‌ی هر گونه ستایش است.

پیام‌ها:

- ۱- هستی محتاج و نیازمند است و او تنها بی‌نیاز. ﴿إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ...﴾

﴿۶۵﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ

بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ

بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ

آیا ندیدی که خداوند آنچه را در زمین است و نیز کشتی‌هایی که به امر او در دریا می‌روند برای شما رام کرده است و آسمان را نگاه داشته تا جز به فرمان او به زمین نیفتد؟ همانا خداوند نسبت به مردم رأفت و رحمت دارد.

نکته‌ها:

- مراد از تسخیر موجودات آن است که همه در مسیر کام‌گیری و منافع بشر قرار داده شده، مثلاً خورشید مسخر ماست یعنی از او بهره‌مند می‌شویم.
- نام بردن از کشتی در کنار نعمت‌های زمینی به خاطر نقش مهم آن است، همین امروز نیز اگر یک روز کشتی‌ها متوقف شوند، چرخ اقتصاد دنیا فلج می‌شود.

پیام‌ها:

- ۱- مطالعه‌ی آفرینش، هم ایمان آفرین است و هم عشق آفرین. ﴿أَلَمْ تَرَ﴾
- ۲- تسخیر جهان هستی، به اراده‌ی خداست. ﴿إِنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ﴾
- ۳- انسان می‌تواند بر زمین و پدیده‌های آن غالب شود و حق مشروع اوست. ﴿سَخَّرَ لَكُمْ﴾ (انسان شریف‌ترین پدیده‌های زمین است).
- ۴- سیر طبیعت، در مسیر اراده‌ی خداوند است. ﴿تَجْرِي بِأَمْرِهِ﴾
- ۵- آسمان و اجرام آن ساقط شدنی است و خداوند آنها را نگاه داشته است. ﴿يُمَسِّكُ﴾
- ۶- برپائی نظام آفرینش و مصونیت آن از فروپاشی به حفظ دائمی خداوند نیازمند است. ﴿يُمَسِّكُ﴾
- ۷- قوانین طبیعی، مانع اراده‌ی الهی نیست. ﴿إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾
- ۸- دلیل الطاف الهی، رأفت و لطف اوست. ﴿إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾
رام بودن طبیعت برای انسان، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد کرات آسمانی به آن جلوه‌های رأفت و رحمت گسترده الهی است. ﴿سَخَّرَ لَكُمْ... تَجْرِي فِي الْبَحْرِ... يُمَسِّكُ السَّمَاءَ... لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾
- ۹- همه‌ی مردم مورد لطف خداوند هستند. ﴿بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ...﴾

﴿ ۶۶ ﴾ وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ

و او کسی است که شما را زنده کرد، سپس می‌میراند، بار دیگر زنده می‌کند؛ البته انسان بسیار ناسپاس است.

پیام‌ها:

۱- با اینکه مرگ و حیات و گذشته و حال و آینده انسان بدست خداوند است، ولی باز انسان سرکشی و ناسپاسی می‌کند. ﴿حیاکم... إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ﴾

﴿ ۶۷ ﴾ لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ وَأَدْعُ

إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ

برای هر امتی (شریعت و) آیینی قرار داده‌ایم که عمل کننده به آن باشند، پس نباید در (بارهی) این امر با تو نزاع کنند (که چگونه آیین تازه‌ای آورده‌ای؛ مردم را) به راه پروردگارت دعوت کن، همانا تو بر هدایت مستقیم قرار داری.

نکته‌ها:

□ چون انسان‌ها، نیازهای موسمی و اجتماعی و غیر ثابتی دارند، باید علاوه بر دستورات کلی و ثابت، در شرایط مختلف دستورات جدیدی صادر شود، همان گونه که پزشک نسخه‌های خود را در شرایط گوناگون بیمار تغییر می‌دهد و در زمان ما مسائل جدید را فقها در چارچوب قوانین کلی و ثابت برای مسلمانان تعیین می‌نمایند.

□ بعضی «مَنَسَك» را مصدر به معنای «نَسَك» و قربانی کردن گرفته‌اند که معنای آیه این می‌شود: ما برای هر امتی نوعی قربانی قرار دادیم که آنان انجام دهنده آن بودند، بنابراین مشرکان نباید به برنامه قربانی تو بهانه‌ای بگیرند.

پیام‌ها:

۱- خداوند، هیچ امتی را بدون مکتب نمی‌گذارد. ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ﴾

۲- دین باید از طرف خدا باشد. ﴿جَعَلْنَا﴾

- ۳- مردم باید در راه الهی گام بردارند. ﴿هَمْ نَاسِكُوهُ﴾
 ۴- وظیفه‌ی مبلغ، هدایت امت و استقامت در این راه است. ﴿وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ﴾
 ۵- راه درست، راه انبیاست. ﴿إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى﴾
 ۶- در برابر جدال و ستیز و تضعیف مخالفان، تقویت رهبران حق لازم است. ﴿فَلَا يَنَازِعُكَ فِي الْأَمْرِ... إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٌ﴾
 ۷- کسی که مسئول ارشاد دیگران است باید تسلط بر راه حق و مستقیم داشته باشد. ﴿لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٌ﴾، ﴿إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ﴾^(۱) (کلمه «عَلَىٰ») رمز تسلط است)

﴿ ۶۸ ﴾ وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

و اگر (کفار) با توبه جدال برخاستند، پس به آنان بگو: خداوند به آنچه شما عمل می‌کنید آگاه‌تر است.

﴿ ۶۹ ﴾ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

خداوند در روز قیامت، میان شما در مورد آنچه اختلاف می‌کردید، داوری خواهد کرد.

پیام‌ها:

- ۱- خداوند پیامبرش را دل‌داری و آموزش می‌دهد. ﴿وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ﴾
- ۲- انبیا با آن همه معجزه و منطق، باز گرفتار افراد لجوج بودند. ﴿وَإِنْ جَادَلُوكَ﴾
- ۳- یاد خدا و واگذاری امور به او، بهترین وسیله‌ی آرامش است. ﴿وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ...﴾
- ۴- با افراد لجوج و اهل جدل درگیر نشوید. ﴿وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ﴾
- ۵- در قیامت، داور و حاکم همان خدای متعال است که شاهد و آگاه است. ﴿اللَّهُ﴾

أَعْلَمَ - الله یحکم ﴿قضاوت کامل در سایه علم کامل است﴾

۶- ایمان به علم و داوری خداوند، آرامبخش مؤمنان و تهدید کننده‌ی کافران است. ﴿الله أعلم - الله یحکم﴾

۷- ایمان به قیامت بهترین اهرم برای مهار کردن اختلاف‌ها و مجادله‌هاست. ﴿الله یحکم بینکم یوم القیامة﴾

۸- درگیری جبهه حق با باطل سابقه‌ای بس طولانی دارد. ﴿کنتم فیه تختلفون﴾ (کلمه‌ی «کنتم» همراه با فعل مضارع، نشانه‌ی سابقه طولانی است)

﴿۷۰﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ

ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

آیا نمی‌داننی که خداوند آنچه را در زمین و آسمان است می‌داند؟ همه‌ی اینها در کتاب (ثبت) است و این بر خداوند آسان است.

پیام‌ها:

- ۱- علم خداوند نسبت به تمام هستی یکسان است. ﴿یَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾
- ۲- علم خداوند در کتابی ثبت است. ﴿فِي كِتَابٍ﴾ (یا اعمالی که شما انجام می‌دهید که در دو آیه قبل به آن اشاره شد، در کتاب ثبت است)
- ۳- احاطه‌ی علمی خداوند بر همه‌ی امور و ثبت آن در کتابی مخصوص، برای او آسان است. ﴿عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ﴾

﴿۷۱﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ

عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ

و کافران، غیر از خداوند چیزی را می‌پرستند که او هیچ گونه دلیلی بر آن نازل نکرده است، و آنها نسبت به آن هیچ گونه اطلاعی ندارند و برای ستمگران هیچ یابوری نیست.

نکته‌ها:

□ دیدگاه مشرکان این بود که جهان تحت تدبیر خدایان (ارباب) است. این آیه می‌فرماید: خداوند هیچ دلیلی و مستندی نسبت به این عقیده برای شما قرار نداده است. ﴿يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا﴾ □ شاید مراد از نزول سلطان در آیه، سلطه‌ی علمی است. یعنی مشرکان به سراغ معبودها و بت‌هایی می‌روند که هرگز خداوند دلیل و برهانی از علم و منطق یا وحی به حمایت آنان نفرستاده است.

پیام‌ها:

۱- انگیزه‌ی پرستش، یا فرمان الهی است: ﴿يُنزِلُ بِهِ سُلْطَانًا﴾، یا رهنمود عقل و علم است: ﴿لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ﴾ و یا به امید یاری و استمداد اوست. ﴿مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ﴾ و مشرکان هیچ کدام را ندارند.
۲- هر پرستشی که بدون دلیلی از وحی و علم باشد، ظلم است. ﴿وَمَا لِلظَّالِمِينَ﴾

﴿۷۲﴾ وَإِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا
الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ
أَفَأَنْتُمْ بِشَرِّ مِمَّنْ ذُكِّرُمُ النَّارَ وَعَدَّهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ
بِئْسَ الْمَصِيرُ

و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، در چهره‌ی کسانی که کفر ورزیدند ترش روئی و خشم را می‌شناسی (به گونه‌ای که) نزدیک است به کسانی که آیات ما را بر آنان می‌خوانند حمله کنند، (به آنان) بگو: آیا شما را به چیزی بدتر از این خبر دهم؟ آتشی که خداوند به کافران وعده داده است، و چه بد سرانجامی است.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «یسْطون» از «سطو» به معنای حمله و تهاجم است.
 □ در مبارزه میان کفر و ایمان، لبه تیز حمله‌های کافران، روی مراکز و شخصیت‌های معنوی و فرهنگی متمرکز است، آنان گاهی مراکز عبادت را هدف قرار می‌دهند که در آیه‌ی ۴۰ همین سوره خواندیم: ﴿هُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ﴾ و گاهی بدنبال حمله به مبلغان و مروّجان دین یا مستمعین آنان هستند. ﴿يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ﴾

پیام‌ها:

- ۱- خداوند با کافران اتمام حجّت می‌کند. ﴿تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ﴾
- ۲- حجّت و استدلال باید روشن باشد. ﴿بَيِّنَاتٌ﴾
- ۳- بغض و کینه‌ی کافران پوشیده نمی‌ماند. ﴿تَعْرِفُ - يَسْطُونَ﴾
- ۴- انکار قلبی و روحی در جسم اثر می‌گذارد. ﴿فِي وَجْهِ﴾
- ۵- کسی که برهان ندارد، به حمله و یورش تمسّک می‌جوید. ﴿يَسْطُونَ﴾ (توسّل به زور نشانه‌ی عجز در منطق است)
- ۶- مبلغان یا گروندگان به دین، خود را برای حمله‌ی مخالفان آماده کنند. ﴿يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ﴾
- ۷- تبلیغات روشنگر دینی، آتش تندی است به جان کافران. ﴿بِشَرِّ مِّنْ ذَلِكُمُ النَّارِ﴾
- ۸- در انذار و تهدید افراد لجوج، از دوزخ یاد کنید. ﴿النَّارِ﴾

﴿۷۳﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ
 نُورِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ
 شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ

ای مردم! مثلی زده شده است، پس به آن گوش فراد دهید، همانا کسانی که
 به جای خدای یکتا می‌خوانید، هرگز نمی‌توانند مگسی بیافرینند، هر چند

برای این کار اجتماع کنند، و اگر آن مگس چیزی از آنان بریاید، نمی‌توانند از او بازستانند، طالب و مطلوب هر دو ناتوانند.

﴿۷۴﴾ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

(مشرکان)، خدا را آن گونه که شایسته اوست بزرگ نداشتند، قطعاً خداوند نیرومند و شکست ناپذیر است.

پیام‌ها:

- ۱- نحوه خطاب باید با مخاطبان تناسب داشته باشد. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ - تدعون من دون الله﴾ (مشرکان در مرحله‌ای نیستند که به آنان بهتر از ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ﴾ گفته شود).
- ۲- در ارشاد و تبلیغ، ابتدا مردم را برای شنیدن آماده کنیم، سپس سخن بگوییم. ﴿ضَرْبٌ مِّثْلُ فَاستَمِعُوا لَهُ﴾
- ۳- در مثال‌های قرآنی، دقت و توجه کنیم. ﴿فاستَمِعُوا لَهُ﴾
- ۴- اگر انسان‌ها، همه‌ی توان خود را هم به کار گیرند، نمی‌توانند موجود زنده‌ای خلق کنند. ﴿لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَاباً وَلَوْ اجتمعوا لَهُ﴾
- ۵- مخلوقات کوچک را کوچک نشمریم. ﴿إِنْ يَسْأَلُهُمُ الذُّبَابُ﴾
- ۶- کسی که در برابر یک مگس عاجز است، لایق نیست پرستش شود. ﴿لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ﴾
- ۷- مشرکان خدا را قبول داشتند، ولی غیر او را نیز می‌پرستیدند. (قدردانی صحیح از خداوند، یکتا پرستی است). ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ﴾
- ۸- انگیزه‌ی شرک، استمداد از شریک‌هاست، ولی باید غیر خدا را کنار گذاشت و تنها به سراغ او رفت، که قدرت و عزت مخصوص خداوند است. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾

﴿۷۵﴾ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

خداوند از میان فرشتگان و مردم رسولانی برمی‌انگیزد، همانا خداوند شنوا و بیناست.

﴿۷۶﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

آنچه را پیش روی آنها و پشت سر آنهاست می‌داند و تمام کارها به خدا بازگردانده می‌شود.

نکته‌ها:

- کلمه «اصْطَفَى» از «صَفْوَةٌ» به معنای خالص و ناب است و برگزیدن ناب نشانه آن است که بعضی از مردم و فرشتگان لیاقت دارند و ناب و خالص هستند.
- ابوذر از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که تعداد انبیا یکصد و بیست و چهار هزار نفرند که سیصد و سیزده نفرشان رسول بودند.^(۱)
- فرشتگان خداوند یکسان نیستند؛ هم مقام آنان تفاوت دارد و هم مسئولیت آنان. مقام بعضی مانند جبرئیل و میکائیل و عزرائیل از سایرین برتر است.

پیام‌ها:

- ۱- گزینش پیامبر، حق خداست، که خالق و بصیر است. ﴿يَصْطَفِي - بصير﴾ (شاید کلمه «سمیع» و «بصیر» رمز آن باشد که ما هر کس را انتخاب می‌کنیم و مسئولیت می‌دهیم، بر کارشان نظارت و حمایت داریم)
- ۲- هر کسی لیاقت و استعداد پیام‌رسانی الهی ندارد. ﴿مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ﴾
- ۳- عالم، محضر خداست. ﴿يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ﴾
- ۴- اکنون که خدا می‌داند و همه به سوی او می‌رویم، گناه نکنیم. ﴿يَعْلَمُ... تُرْجَعُ﴾
- ۵- خداوند آفرینش را طوری آفریده که بازگشت همه‌ی مسائل به سوی اوست.

۱. تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۰۴ و ج ۴، ص ۴۵۲.

﴿وَاللَّهُ تَرْجِعُ الْأُمُورَ﴾

- ۶- حرکت هستی به سوی خدا، به خواستن یا نخواستن آنها نیازی ندارد. ﴿تَرْجِعُ﴾
 ۷- کاروان هستی به سوی هدفی مشخص، روان است. ﴿تَرْجِعُ الْأُمُورَ﴾

﴿۷۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُوبِ وَأَسْجُدُوا وَأَعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَأَفْعَلُوا
 الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار نیک انجام دهید، باشد که رستگار شوید.

نکته‌ها:

- با اینکه رکوع و سجود از مصادیق عبادت هستند ولی در این آیه نام آن دو در کنار «واعبدوا» آمده که نشانه‌ی اهمیت نماز و این دو رکن نماز است.
 □ برای سعادت انسان دو برنامه مطرح شده و رستگاری او در انجام هر دو نوع عمل است:
 الف: برنامه‌های ثابت مانند رکوع و سجود و عبادت‌های دیگر.
 ب: برنامه‌های متغیر و تابع زمان و مکان که در هر زمان کار خیر مصداق خاصی دارد.
 ﴿آمِنُوا ارْكَعُوا... وَاذْعَبُوا الْخَيْرَ﴾

پیام‌ها:

- ۱- کار خیر (و ابتکارات و اختراعات و خدمات،) زمانی مؤثر است که در سایه‌ی ایمان و بندگی خدا باشد. ﴿آمِنُوا ارْكَعُوا... وَاذْعَبُوا الْخَيْرَ﴾
 ۲- حتی با رکوع و سجود و تعبد و کار خیر، رستگاری خود را قطعی ندانید، زیرا آفت غرور و حبط عمل در کار است. ﴿لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾
 ۳- فلاح و رستگاری، آخرین مرحله‌ی تکامل است که بعد از انجام عبادات و کارهای خیر باید امید آن را داشت. ﴿لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾

﴿۷۸﴾ وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ

و در راه خدا جهاد کنید چنان که شایسته جهاد (در راه) اوست، او شمارا (بر همه‌ی امت‌ها) برگزید و در دین (اسلام) هیچ گونه دشواری بر شما قرار نداد، آیین پدرتان ابراهیم (را پیروی کنید)، او که شما را از قبل مسلمان نامید و در این (کتاب نیز مطلب چنین است) تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید، پس نماز بر پا دارید و زکات بپردازید و به خدا تمسک جویند، که او مولا و سرپرست شماست، پس چه خوب سرپرستی است و چه خوب یآوری.

نکته‌ها:

- می‌دانیم که گواه بودن، به علم و عدالت نیاز دارد و همه‌ی مردم نه عادلند و نه آگاه که بتوانند بر دیگران شاهد باشند، بنابراین، مراد از گواه بودن مسلمانان که در این آیه عنوان شده است، بعضی از آنان هستند که هم به اعمال و رفتار مردم علم دارند و هم امین و عادلند و چنین افرادی همان گونه که در روایات می‌خوانیم، اهل بیت پیامبر و امامان معصوم علیهم‌السلام هستند که اعمال و رفتار ما بر آنان عرضه می‌شود.
- خداوند در آغاز این سوره، از زلزله عظیم قیامت و عذاب شدید الهی یاد کرد و در پایان سوره از جهاد و نماز و زکات سخن گفت و یادآور شد که او برای همه بندگان، مولا و سرپرست و یآوری نیکوست، این نکته به ما می‌آموزد که برای نجات از خطرهای زلزله‌ی عظیم قیامت و عذاب شدید الهی، بنده‌ی او باشیم و به او پناه ببریم که «نعم المولیٰ و نعم النصیر».
- نفی «حرج» به معنای سخت نبودن احکام الهی نیست، زیرا در همین آیه که می‌فرماید:

جهاد کنید آن گونه که حق جهاد است. و ناگفته پیداست که جهاد کار بس سختی است. پس مراد از نبودن حرج در دین آن است که اسلام بن بست ندارد. مثلاً در فرمان جهاد افراد بیمار، لنگ، نابینا، سالمند و زنان و کودکان و ناتوانان معافند، ولی دفاع با همه‌ی سختی آن وظیفه است.

پیام‌ها:

- ۱- ارزش کارها، به انگیزه و شیوه و مقدار آن بستگی دارد. (جهادی ارزش دارد که با تمام توان در راه خدا باشد) ﴿فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادُهُ﴾
- ۲- هم به مردم شخصیت دهید، ﴿اجْتَبَاكُمْ - أَيْبِكُمْ - تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ﴾ و هم سخت‌گیری نکنید. ﴿مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾
- ۳- در وضع قانون، مراعات توان مردم را بکنیم. ﴿مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾
- ۴- اسلام، دین آسان و احکام آن انعطاف پذیر است. در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، شایستگی اجرا شدن را دارد. ﴿مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ﴾
- ۵- اسلام آئین ابراهیمی و سابقه بس درخشان دارد. ﴿هُوَ سَمَّاكُمْ الْمُسْلِمِينَ﴾
- ۶- پیامبران، پدران امت‌ها هستند. ﴿أَيْبِكُمْ﴾
- ۷- «مسلمان» نام مبارکی است که از قبل برای ما انتخاب شده است. ﴿مِنْ قَبْلِ﴾
- ۸- پیامبر اکرم ﷺ بر اعمال ما گواه است. ﴿لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً﴾
- ۹- نماز و زکات، تشکر از خداوند است. (باید به شکرانه‌ی برگزیدگی و سابقه و لیاقت و گواه بودن امت اسلام، نماز به پا داشت. ﴿فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ...﴾
- ۱۰- تنها به برگزیده بودن و نام اسلام و مسلمانی تکیه نکنیم، با نماز و زکات و تمسک به خدا، این افتخارات را پاسداری کنیم. ﴿فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾
- ۱۱- مشروعیت ولایت‌ها و حکومت‌های بشری در گرو منتهی شدن به ولایت الهی است. ﴿هُوَ مَوْلَاكُمْ﴾

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»